

Pazuhesname-ye Alavi (Imam Ali's Studies)

Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)

Biannual Journal, Vol. 14, No. 1, Spring and Summer 2023, 29-69

Doi: 10.30465/alavi.2023.45253.2548

The Subject-based Classification and Content Analysis of Divine Hadiths in the Book al-Jawahir al-Saniyya fi-l-Ahadith al-Qudsiyya on the Virtues of Imam Ali (PBUH) Based on the Holy Our'an

Sakineh Amoozadi*, Fayzolah Akbari Dastak**

Abdolmajid Talebtash***

Abstract

Due to their divine origins, divine hadiths play a highly significant role in introducing principles of Islamic knowledge. The book al-Jawahir al-Saniyya fi-l-Ahadith al-Qudsiyya written by Shaykh al-Hur al-Amili is a Shia text that has collected many divine hadiths on the subjects of belief and morality as well as stories of wisdom. Although containing important hadiths on various subjects, the book is lacking in a proper table of content, which necessitates a subject-based classification and content analysis of the various chapters of the book. Using the analytic-descriptive method, this study has classified and analyzed divine hadiths that have described the virtues of Imam Ali (PBUH). The results show that out of 691 divine hadiths in the book al-Jawahir al-Saniyya on different subjects 158 concern imamate. Among these, 71 hadiths describe a variety of Imam Ali (PBUH)'s virtues in different aspects. From the examination of

* Ph.D. Student, Department of Koranic and Hadith Sciences, Karaj Unit, Islamic Azad University, Karaj, Iran, s.amoozadiiii@gmail.com

** Assistant Professor, Department of Koranic and Hadith Sciences, Karaj Unit, Islamic Azad University, Karaj, Iran (corresponding author), f.akbari@kiau.ac.ir

*** Associate Professor, Department of Koranic and Hadith Sciences, Department of Koranic and Hadith Sciences, Karaj Unit, Islamic Azad University, Karaj, Iran, talebtash@yahoo.com

Date received: 2023/05/20, Date of acceptance: 2023/08/08



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

these aspects, a perfect harmony between virtues of Imam Ali (PBUH) and Koranic verses has been concluded. The harmony is clear from the text of some Koranic verses, but from some other verses it needs to be inferred, and the harmony has been demonstrated using different methods of interpretation.

Keywords: the Holy Qur'an, divine hadiths, al-Jawahir al-Saniyya fi-l-Ahadith al-Qudsiyya, al-Hur al-Amili, virtues of Imam Ali (PBUH).

طبقه‌بندی موضوعی و تحلیل محتوایی احادیث قدسی کتاب الجواهر السنیه درباره فضائل امیرالمؤمنین (ع) بر پایه قرآن کریم

سکینه عموزادی*

فیض‌اله اکبری دستک**، عبدالمجید طالب‌تاش***

چکیده

احادیث قدسی به جهت داشتن منشأ الهی از جایگاه والایی در معرفی اصول معرفت اسلامی دارند. کتاب «الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه» شیخ حر عاملی، یکی از کتاب‌های حدیثی شیعه است که روایات قدسی را که در بردارنده احادیث متعددی در موضوعات اعتقادی، اخلاقی و داستان‌های حکیمانه است، به صورت کلی در خود جمع کرده است. با وجود اینکه این کتاب دارنده احادیث مهمی در موضوعات متعددی است؛ اما از نبود باب بندی مناسب رنج می‌برد. از مهمترین کاستی‌های این کتاب در نقل احادیث قدسی، نداشتن طبقه‌بندی موضوعی و تحلیل محتوایی این احادیث است که طبقه بندی و تحلیل محتوایی ابواب مختلف آن را ضروری می‌نماید. این تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به طبقه‌بندی و تحلیل احادیثی پرداخته است که درباره فضائل امام علی (ع) از منشأ الهی با عنوان حدیث قدسی نقل شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد از ۶۹۱ حدیث کتاب «الجواهر السنیه» در موضوعات مختلف، ۱۵۸ حدیث درباره امامت است. از این میان ۷۱ حدیث درباره فضائل گوناگون امام علی (ع) در موضوعات مختلف نقل شده است. بررسی این موضوعات سازگاری کامل فضائل

* دانشجوی دکتری، گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران،
s.amoozadiiii@gmail.com

** استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران (نویسنده مسئول)،
F.akbari@kiau.ac.ir

*** دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران،
talebtash@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷



Copyright © 2018, This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.

امام علی (ع) با آیات قرآنی را نتیجه داده و هماهنگی در برخی آیات به صورت ظهور آیات اما در برخی دیگر به شکل باطن وجود دارد و اثبات سازگاری با آیات، استفاده از روش‌های مختلف تفسیری است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، احادیث قدسی، الجواهر السنیه، حر عاملی، فضائل امام علی (ع).

۱. مقدمه

درباره فضائل و مناقب امام علی (ع)، فقط منابع روایی فریقین نیست که به صورت مستقیم از پیامبر نقل کرده‌اند؛ بلکه علاوه بر منقولاتی که از پیامبر در منابع فریقین است، بخش دیگر از منابع روایی و میراث حدیثی موجود در فضائل و مناقب امام علی (ع) مشتمل بر نوع خاصی از احادیث است که اصطلاحاً به آنها احادیث قدسی می‌گویند و این بخش معمولاً کمتر مورد پردازش قرار گرفته است.

مسئله طبقه‌بندی موضوعی و تحلیل محتوایی احادیث قدسی بحث جدیدی است که تاکنون در تحقیقات و پژوهش‌های حدیث پژوهان نبوده؛ بلکه یک عنوان بندی کلی وجود داشت. در این پژوهش کار جدید، بحث طبقه‌بندی موضوعی و تحلیل محتوایی و همچنین ارزیابی این محتوا بر پایه قرآن کریم است.

ما در پژوهش‌های این چنینی عمدتاً بحث گونه‌شناسی را داریم؛ اما طبقه‌بندی موضوعی و تحلیل محتوایی آن در حد انگشت شمار در پژوهش‌های احادیثی اعم از احادیث قدسی و احادیث غیر قدسی وجود دارد. این کار طبقه‌بندی و تحلیل محتوایی که مقاله حاضر به این مهم پرداخته شکل جدیدی از کار است که کم‌تر در میان پیشینیان مسبوق به سابقه بوده است.

طبقه‌بندی به معنای تقسیم‌بندی و نظم‌دهی مجموعه‌ای معین از اشیا است که به گروه‌بندی جامع به صورت طبقه‌بندی معادلی منتهی می‌شود (نوالی، ۱۳۸۸: ۱۸۰). طبقه‌بندی در یک تقسیم به دو نوع کلی تقسیم می‌شود: ساختاری تک‌بعدی؛ و ساختاری چندبعدی. هرکدام از اقسام طبقه‌بندی، مزایای خاص خود و این قابلیت را دارا هستند که در عین شناسایی فهرستی جامع از طبقات، برای موجودیت این گونه طبقات نیز استدلال منطقی بیابند (زوستاک، ۱۳۹۵: ۳۷). در اینجا طبقه‌بندی تک‌بعدی بر اساس محتوای احادیث فضائل امام علی (ع) کتاب جواهر السنیه است.

طبقه‌بندی موضوعی و تحلیل محتوایی ... (سکینه عموزادی و دیگران) ۳۳

فضائل امیرالمؤمنین (ع) یکی از مهمترین ابواب حدیثی شیعه و اهل سنت است که روایات فراوانی در این باب مطرح شده است. احادیث قدسی در نگاشته‌های اولیه فریقین در کتاب‌های مرجع حدیثی شیعه و اهل سنت آمده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۹۳/۱، ۴۴۰؛ الشقیری، بی تا: ۱۷-۲۹۶)؛ اما در کتاب‌های علمای متأخر احادیث قدسی به صورت تک‌نگاشته‌هایی نگاشته شده است. یکی از نخستین کتاب‌ها در حوزه احادیث قدسی کتاب «الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه» (Al-Saniyya fi-Al-Ahadith Al-Qudsiyya written) شیخ حر عاملی است که در آن، روایات مرتبط با فضائل امیرالمؤمنین (ع) جمع‌آوری شده است. در این مقاله درصدد پاسخ به سؤال‌های دوگانه هستیم:

۱. طبقه‌بندی محتوایی احادیث قدسی راجع به فضائل امیرالمؤمنین (ع) چگونه قابل تحقق است؟

۲. تحلیل محتوایی احادیث قدسی مربوط به فضائل امیرالمؤمنین از منظر قرآن کریم چیست؟

در این مقاله با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به طبقه‌بندی احادیث قدسی در فضائل امام علی (ع) می‌پردازیم. تلاش شده است، دیدگاه مفسران فریقین در این‌باره تبیین شود تا بدین طریق تحلیلی از میزان استناد به فضائل علی (ع) در احادیث قدسی این کتاب شریف به دست آمده و اعتبار مفهومی هرکدام از احادیث با آیات قرآن کریم سنجیده شود.

از جدیدترین مقالاتی که در این زمینه نگاشته شده است، مقاله‌ای که از نویسندگانی همچون مطیع و همکاران در سال ۱۳۹۶ با عنوان «ترسیم نظام ارتباط با خدا بر اساس احادیث قدسی با استفاده از روش تحلیل محتوا» است. از این نگارندگان در سال ۱۳۹۸ مقاله دیگری با عنوان «طبقه‌بندی موضوعی احادیث قدسی»، به نگارش رسیده است. از رحمان پور و صنایان در سال ۱۳۹۹، در مقاله‌ای با عنوان «تدوین احادیث قدسی در فریقین؛ تأملی در کتاب جواهر السنیه» به چاپ رسیده است. چنانچه از محتوای این مقالات مشخص است، این مقالات درصدد طبقه‌بندی و بررسی فضائل امیرالمؤمنین (ع) در کتاب الجواهر السنیه بر اساس قرآن نیستند. از این‌رو این مسئله در مقالات و کتاب‌ها فاقد پیشینه است.

۲. فضائل امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع)

یکی از مباحث مطرح در احادیث قدسی بیان فضائل امیرالمؤمنین علی ابن طالب است که فضائل گوناگون و بسیار عمیق و جدید در احادیث مذکور قابل طرح هستند. به عنوان نمونه در بخشی از حدیث ۳۷۱، مشهور به حدیث لوح برتری امیرالمؤمنین به عنوان وصی رسول خدا بر تمام اوصیای انبیاء گذشته و حتی دیگر اوصیای رسول خدا بیان شده است: «يَا مُحَمَّدُ... فَضَّلْتُ وَصِيكَ عَلَى الْأَوْصِيَاءِ (حر عاملی، ۱۳۹۵: ۴۴۸)؛ ای محمد... من وصی شما بر تمام اوصیاء برتری بخشیدم». همچنین در حدیث ۲۷۲ که نسخه دیگری از این حدیث، همین عبارت تکرار شده است (همان: ۴۵۰).

همچنین در حدیث ۳۷۸ تقدم خلقت روح امیرالمؤمنین (ع) و پیامبر اکرم (ص) بر خلقت کائنات مطرح شده است. از امام باقر (ع) نقل شده است:

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَا مُحَمَّدُ إِنِّي خَلَقْتُكَ وَ عَلِيًّا نُورًا يَغْنِي رُوحًا - بَلَا بَدَن - قَبْلَ أَنْ أُخْلُقَ سَمَاوَاتِي وَ أَرْضِي وَ عَرْشِي وَ بَحْرِي فَلَمْ تَزَلْ تُهَلِّلُنِي وَ تُمَجِّدُنِي ثُمَّ جَمَعْتُ رُوحَيْكُمَا فَجَعَلْتُهُمَا وَاحِدَةً فَكَانَتْ تُمَجِّدُنِي وَ تُقَدِّسُنِي وَ تُهَلِّلُنِي ثُمَّ قَسَمْتُهَا ثِنْتَيْنِ وَ قَسَمْتُ الثَّنَتَيْنِ ثِنْتَيْنِ فَصَارَتْ أَرْبَعَةً مُحَمَّدٌ وَاحِدٌ وَ عَلِيٌّ وَاحِدٌ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ ثِنْتَانِ ثُمَّ خَلَقَ اللَّهُ فَاطِمَةَ مِنْ نُورِ ابْتِدَائِهَا رُوحًا بَلَا بَدَنٍ ثُمَّ مَسَحْنَا بِيَمِينِهِ فَأَفْضَى نُورَهُ فِينَا (همان: ۴۶۰)؛ خدای تبارک و تعالی فرمود که: یا محمد، من تو را و علی را آفریدم، در حالی که نور و روحی بودید بی تن، پیش از آن که آسمان‌ها و زمین و عرش و دریای خود را بیافرینم. پس همیشه مرا تهلیل و تمجید می نمودی. بعد از آن، روح‌های شما را جمع کردم و آن دو روح را یک روح گردانیدم. پس آن روح، مرا به بزرگی و پاکی و یگانگی یاد می نمود، بعد از آن، آن را دو بخش کردم و دو روح گردانیدم و هر یک از آن دو روح را دو بخش کردم و هر روحی را دو روح کردم پس چهار روح به هم رسید: یکی محمد، و یکی علی، و حسن و حسین دو تا، بعد از آن فاطمه را آفرید از نوری که او را ابتدا از آن فرمود، و روحی بود بی بدن، پس دست راست خود را به ما مالید و نور آن جناب در ما روشن شد.

همچنین فضائل گوناگون و تعجب انگیز امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب در احادیث قدسی کتاب الجواهر السنیه ذکر شده اند که در ذیل به طبقه بندی عناوین و محتوای این روایات و ارزیابی قرآنی آن‌ها می پردازیم.

۲-۱ امام علی و لقب امیرالمومنین (ع)

یکی از مسائل مطرح در باب فضائل ذکر شده امام علی (ع) در احادیث قدس، لقب «امیرالمؤمنین» است. لقب امیرالمؤمنین یک لقب تشریفاتی نیست؛ بلکه اثبات کننده امامت و وصایت آن حضرت است. نکته جالب توجه این است که طبق روایات لقب امیرالمؤمنین از میان دیگر ائمه طاهرين اختصاص به امام علی (ع) دارد. همچنین مسئله مورد بررسی در رابطه به لقب مذکور این است که طبق احادیث قدسی لقب امیرالمؤمنین قبل از خلقت آدم نیز اختصاص به امام علی (ع) داشته و شب معراج پیامبر از این لقب آگاهی پیدا کرده‌اند.

در حدیث ۴۶۱ امام هادی (ع) از پدرانش از رسول خدا (ص) نقل کرده است:

لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ كُنْتُ مِنْ رَبِّي كَقَابِ قَوْسَيْنِ أَوْ أُذُنِي، فَأَوْحَى إِلَيَّ رَبِّي مَا أَوْحَى، ثُمَّ قَالَ: يَا مُحَمَّدُ، أَقْرَى عَلِيٍّ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، فَمَا سَمَّيْتُ بِهِذَا أَحَدًا قَبْلَهُ، وَلَا أُسَمِّي بِهِذَا أَحَدًا بَعْدَهُ (حر عاملی، ۱۳۹۵: ۵۶۴)؛ هنگامی که مرا به آسمان بردند، به اندازه دو کمان یا کمتر به پروردگارم نزدیک تر بودم، سپس پروردگارم بر من چیزهایی نازل کرد، سپس فرمود: ای محمد، علی بن ابی طالب را امیرالمؤمنین خطاب کن، پس من پیش از او هیچ کس را چنین نام نگذاشتم، و هیچ کس را پس از او چنین نمی‌نامم.

در حدیث ۵۲۷ حذیفه بن یمان از رسول خدا (ص) نقل کرده است:

لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَتَى سُمِّيَ عَلِيُّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا أَنْكَرُوا سُمِّيَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ آدَمَ بَيْنَ الْمَاءِ وَ الطِّينِ قَالَ اللَّهُ وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ فَقَالَتِ الْمَلَائِكَةُ بَلَى فَقَالَ اللَّهُ مُحَمَّدٌ نَبِيِّكُمْ وَ عَلِيُّ أَمِيرِكُمْ (همان: ۶۶۲)؛ اگر مردم می‌دانستند از چه زمانی علی را امیرالمؤمنین نامیده‌اند، انکار نمی‌کردند، او را امیرالمؤمنین نامیدند، درحالی که آدم بین آب و گل بود، خداوند فرمود: و هنگامی که پروردگار تو فرزندان‌شان را از پشتشان گرفت و آنها بر علیه خودشان گواه گرفت بر اینکه آیا من پروردگار شما نیستم فرشتگان گفتند: آری و خداوند فرمود: محمد پیامبر شما و علی امیر شما است.

در حدیث ۵۳۱ رسول اکرم (ص) فرمود:

قال... وَ هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ حَقًّا، لَمْ يَنْلُهَا أَحَدٌ قَبْلَهُ وَ لَيْسَتْ لِأَحَدٍ بَعْدَهُ... (همان: ۶۶۸)؛ گفت: ... او به راستی امیرالمؤمنین است، پیش از او کسی به انی مقام نرسیده است و پس از او کسی نخواهد رسید.

تحلیل مضمون احادیث قدسی وارد شده در مورد لقب امیرالمؤمنین، از منظر قرآن نیازمند بررسی یک مطلب است. آن مطلب این است که آیا قرآن کریم وجود لقب امیرالمؤمنین برای علی بن ابی طالب در زمان قبل از تولد ایشان را تایید می‌کند؟ گرچه در احادیث مذکور زمان اظهار و اعطای چنین لقب، سه زمان مانند عالم ذر، زمان قبل از خلقت آدم و شب معراج ذکر شده‌اند؛ اما برگشت این سه زمان و اثبات آنها به این است که آیا از منظر قرآن کریم وجود لقب امیرالمؤمنین برای علی بن ابی طالب قبل از وجود دنیوی علی (ع) امکان پذیر است یا نه؟ بنابراین در ذیل پاسخ این سوال را از منظر قرآن کریم پی می‌گیریم. قبل از بحث قرآنی یادآوری دو نکته ضروری است:

الف. یکی اینکه قدمت لقب امیرالمؤمنین برای علی (ع) قبل از نشأت دنیوی از منظر روایات شیعه و اهل سنت ثابت شده است. روایات متعدد بر این مطلب دلالت دارند. در منابع روایی شیعه بیشترین روایات به این مضمون که به عدد هفت می‌رسد (حدیث ۱۸۰ تا ۱۸۷) در تفسیر فرات کوفی آمده‌اند (فرات کوفی، ۱۴۱۰ق: ۱۴۵-۱۵۰) و در منابع دیگر حدیثی نیز روایاتی به این مضمون نقل شده‌اند که از جمله این منابع کتاب شریف الکافی (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱/۴۱۲، ح ۴) و کتاب دلائل الامامة (طبری آملی صغیر، ۱۴۱۳ق: ۵۳) است. در منابع اهل سنت نیز روایات مثبتی وجود دارند.

ب. یادآوری این نکته نیز ضروری است که لقب امیرالمؤمنین تنها یک لقب تشریفاتی نیست که فقط بیان کننده مقام بلند امام علی (ع) در ایمان و قرار گرفتن در صف مؤمنان باشد، بلکه مهم ترین معنای این لقب و به ویژه در روایات مذکور اثبات مقام وصایت و خلافت امام علی (ع) پس از پیامبر گرامی اسلام و دارایی مقام سرپرستی بر مؤمنین از لحاظ حکومت و امامت است. در روایتی از امام صادق (ع) در کافی ذیل باب نص بر امیرالمؤمنین (ع) نیز اشاره شده است که پس از نزول ولایت حضرت علی (ع) پیامبر اکرم مردم را دستور داده‌اند که علی (ع) را با لقب امیرالمؤمنین یاد کنند. (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۱/۲۹۲).

۲-۱-۱-۲ عالم ذر و پذیرش ولایت و امامت امام علی (ع)

عالم ذر عالمی است که در آن از ارواح انسان‌ها پیمان توحید خداوند گرفته شده است. آیه ۱۷۲ سوره اعراف مطالب در این زمینه ارائه کرده است. گرچه در تفاسیر شیعه عالم ذر به تأویل فطرت انسانی (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۳۱۵/۸-۳۱۸) یا استعداد انسانی (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش:

طبقه‌بندی موضوعی و تحلیل محتوایی ... (سکینه عموزادی و دیگران) ۳۷

(۶/۷) برده شده است؛ اما وجود این پیمان را مسلم دانسته‌اند. یکی از اهداف این پیمان اتمام حجت بر مردم دانسته شده است؛ مانند:

أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ؛ (اعراف: ۱۷۲) این کار را خداوند به این جهت انجام داد که در روز قیامت نگوئید ما از این موضوع (توحید و شناسایی خدا) غافل بودیم.

هدف دیگر عقل پذیر شدن مجازات گناهکاران است؛ مانند:

أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ؛ (همان: ۱۷۳) این پیمان را به خاطر آن گرفتیم که نگوئید: پدران ما پیش از ما بت پرست بودند و ما هم فرزندان بعد از آنها بودیم و چاره‌ای جز تبعیت از آنها نداشتیم آیا ما را به گناه افراد بی‌پهلو کار مجازات می‌کنی.

ذکر شدن عقیده توحید به‌عنوان متن پیمان عالم ذر «أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَى شَهِدْنَا؛ (اعراف: ۱۷۲) آیا من پروردگار شما نیستم گفتند بلی ما بر این شهادت گواه هستیم» بیان انحصاری نیست؛ بلکه ذکر تأکیدی است؛ زیرا عقیده توحید اساس همه اعتقادات و اخلاق و اعمال انسان است. آیه ۲۴ سوره ابراهیم وحدت همه اعتقادات و اخلاقیات را به‌خوبی بیان می‌کند. جایی که توحید را با درخت با اصول و فروع ثابت تشبیه کرده است که منشأ همه اعتقادات و اعمال صالحه است؛ اما در مقابل شرک درخت بی اصل است و دارای فروعات و ثمرات پلید است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۵۰/۱۲-۵۱).

۲-۱-۲ پذیرش توبه آدم توسط اهل بیت (ع)

قرآن کریم در داستان خلقت آدم بیان کرده است که آدم وقتی مرتکب ترک اولی شد، رفع اثرات وضعی و تکوینی حکم وضعی مبنی بر ممنوعیت از خوردن درخت است، نیاز به توبه داشت. توبه در اینجا معنای لغوی دارد؛ یعنی برگشتن به حالتی قبل از ارتکاب خطا که به اعتقاد مفسران مانند علامه طباطبایی پرورش و تکامل جنبه روحی و اخروی انسان که بی نهایت و ابدی است، نتیجه توبه آدم و پذیرش توبه بوده است. (همان، ۱/ ۱۴۸) جناب آدم برای آسان شدن توبه و پذیرش آن کلمات را از خداوند تلقی کرد «فَتَلَقَىٰ آدَمُ كَلِمَاتٍ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَيْهِ» (بقره: ۳۷) پس آدم کلمات را از پروردگار خود دریافت و از خدا توبه کرد. طبق روایات فریقین مراد از کلمات محمد مصطفی و اهل بیت اطهار ایشان هستند. مانند روایت کلینی در کافی آمده

است: «در تفسیر آیه (فَتَلَقَىٰ آدَمَ...) فرمود: آدم از خداوند به وسیله محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین درخواست نمود». از اهل سنت سیوطی در در المثنور روایت نقل کرده است: پیامبر فرمود: «هنگامی آدم مرتکب گناه شد سر به سوی آسمان بلند کرد و گفت: من از تو به وسیله محمد درخواست نمی‌کنم مگر این تو مرا می‌آمرزدی...». این مفاد روایات از آیات مربوط به داستان آدم نیز قابل استنباط و تأیید است؛ مانند اینکه کلمه (تلقى) به معنای اخذ کردن همراه با استقبال کردن است لذا فهمیده می‌شود که آدم این کلمات را از خداوند تعلیم دیده است. همچنین از کلمه مذکور فهمیده می‌شود که آدم قبل از توبه از این شخصیات آگاهی داشت و این همان تعلیم اسماء بوده که خداوند آنها را بدون واسطه، به آدم تعلیم داده بود «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» (بقره: ۳۱). همچنین استعمال قرآنی کلمه درباره موجودات عینی است. همچنین طبق روایات آدم (ع) در موارد متعدد، مانند هنگام خلقت ارواح پنج تن پاک را مشاهده کرده بود. (همان، ۱۴۹/۱) بنابراین وجود ارواح پاک پنج تن پاک از جمله امام علی (ع) در نشأت اولیه انسانی که قبل از خلقت انسان بوده وجود داشتند و برخوردار از همین منزلت دنیوی از جمله امامت و ولایت بوده‌اند.

۲-۲ جایگاه امام علی (ع) نسبت به پیامبر اکرم

یکی دیگر از مباحثی که در ذیل فضائل امام علی (ع) در کتاب الجواهر السنیه آمده است راجع به مسئله همسانی جایگاه امام علی (ع) نسبت به پیامبر اکرم است که با حضرت موسی تشبیه کرده است.

حدیث ۴۳۴ به جایگاه وصایت امام علی (ع) نسبت به پیامبر اکرم (ص) اشاره دارد، در جریان تولد امام حسن (ع) نقل شده است:

لَمَّا وُلِدَ الْحَسَنُ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى جِبْرِئِيلَ أَنَّهُ قَدْ وُلِدَ لِمُحَمَّدٍ ابْنٌ فَاهْبِطْ فَاقْرَأْهُ السَّلَامَ وَهَنَّهُ قُلُوبُهُ؛ إِنَّ عَلِيًّا مِنْكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى فَاسْمُهُ بِاسْمِ ابْنِ هَارُونَ، فَهَبْطْ فَهَنَّهُ وَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكَ أَنْ تُسَمِّيَهُ بِاسْمِ ابْنِ هَارُونَ... (حر عاملی، ۱۳۹۵: ۵۲۶)؛ هنگامی که حسن به دنیا آمد، خداوند به جبرئیل وحی کرد که برای محمد پسر می‌تولد شده، پس به زمین برو و محمد را سلام و تهنیت بگو و به او بگو: بی تردید علی نسبت به شما همانند هارون نسبت به موسی است. پس پسر علی را به نام پسر هارون نامگذاری کن، پس جبرئیل نازل شد و به او تبریک گفت و گفت: خداوند به تو دستور می‌دهد که او را به نام پسر هارون نام گذاری کنی....

در حدیث ۴۶۹ امام رضا (ع) طی سندی که به اسماء بنت عمیس می‌رسد، در جریان تولد امام حسن (ع) روایتی را از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده است:

لَمَّا وُلِدَ الْحَسَنُ هَبِطَ جِبْرَائِيلُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَيُقُولُ يَا مُحَمَّدُ، عَلِيُّ مِنْكَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدَكَ، فَسَمَّ ابْنَكَ بِاسْمِ ابْنِ هَارُونَ (همان: ۵۷۲)؛ هنگامی که حسن به دنیا آمد، جبرئیل بر رسول خدا نازل شد و گفت: خداوند بر تو درود می‌فرستد و می‌فرماید: ای محمد، علی نسبت به شما به منزله هارون نسبت به موسی است مگر اینکه بعد از شما پیامبر نیست، پس نام پسرت را به نام پسر هارون بگذار.

حدیث منزلت دارای سند معتبر است و در منابع دست اول حدیثی اهل سنت نقل شده است. نزدیک به بیست نفر از صحابه آن را نقل کرده‌اند. همچنین حدیث منزلت در موقعیت‌ها و مناسبت‌های مختلف از زبان پیامبر اسلام مکرراً بیان شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ق: ۳۴۹/۶-۳۵۰)

از مقایسه مضمون مشابه این حدیث در آیات «وَاجْعَلْ لِي وَزِيْرًا مِّنْ اَهْلِي. هَارُونَ اَخِي. اَشْدُدْ بِهٖ اَزْرِي. وَاشْرِكْهُ فِيْ اَمْرِي (طه: ۲۹-۳۲)؛ وزیرم از اهل من برادر هارون را قرار ده، به وسیله او پشتیبانم باش و او را شریک کارم قرار ده» نکات ذیل استفاده می‌شوند:

الف. مشابهت خلافت امام علی با خلافت هارون: پیامبر اسلام نیز همانند حضرت موسی خلافت و وزارت علی (ع) را از خدا درخواست نموده است و این درخواست مورد اجابت قرار گرفت. سیوطی در ذر المثور نقل کرده است که رسول خدا فرمود:

خدایا همان چیزی را که برادرم موسی درخواست کرد طلب می‌کنم که سینه ام را وسعت دهید و امر من را آسان گردانید و گره زبانم را باز کنید تا اینکه سخن من را بفهمند و از اهل من برادرم علی را وزیر من قرار دهید تا اینکه به وسیله او کمر را محکم گردانید و او را شریک کارم قرار دهید تا اینکه ما به تنزیه بسیار تو پردازیم و ذکر کثیری از تو انجام دهیم که بی شک تو از احوال ما باخبر هستید. (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۲۹۵/۴).

ب. وزارت همان خلافت و وصایت: وزیر از وزر به معنای سنگین یا تکیه گاه است، زیرا وزیر حمل کننده سختی‌های پادشاه مانند کوه پشتیبان است. وزیر رسول نیز سختی گسترده‌گی کار رسالت را به شکل انجام برخی ابعاد رسالت برای پیامبر آسان تر می‌کند. درخواست حضرت موسی درباره وزارت موسی راجع به کمک در خود رسالت بوده نه در تبلیغ دین زیرا

کمک و شراکت در تبلیغ اختصاص به فرد خاص ندارد بلکه همه مبلغان در این امر مشترک هستند. پس معنای اشتراک هارون در امر موسی این است که او مقداری از آنچه را که به وی وحی می‌شود و چیزی از خصائصی که از ناحیه خدا به او می‌رسد (مانند وجوب اطاعت و حجیت گفتار) به عهده بگیرد و انجام دهد. از آیات ۲۹-۳۲ سوره طه لزوم مشارکت در امر دعوت مردم به دین قابل استفاده است؛ چون در ادامه آیه هدف از مشارکت، تسبیح کردن بسیار و ذکر نمودن خدای متعال توسط موسی و هارون بیان شده است و مراد از آن تسبیح در جلوت و در اجتماع است نه در خلوت. منظور از تسبیح گوئی نیز دعوت مردم به توحید و دور ساختن مردم از شرک است. قدرت فرعون دل‌های بنی اسرائیل را کاملاً پُر کرده بود و به‌طور کلی از یاد خدا غافل شده بوده‌اند. تمام مشغولیت آن‌ها این بود که به یاد فرعون باشند. (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۱۴/۱۴۷-۱۴۸)

۲-۳ جانفشانی امام علی در راه پیامبر اکرم

جانفشانی امام علی در راه پیامبر که مهم‌ترین مصداق آن خوابیدن امام علی بر بستر رسول خدا در شب هجرت است، یکی دیگر از مسائل مطرح در احادیث قدسی است. این امر به‌عنوان فضائل امام علی (ع) بین شده است. ذکر شدن این واقعه در قرآن کریم به‌عنوان آیه شفاء نشانگر اهمیت این فضیلت امام علی (ع) است.

در حدیث ۵۲۸ در تفسیر آیه ۲۰۷ سوره بقره به نقل از رسول خدا (ص) آمده است:

إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص لَمَّا أَرَادَ الْهَجْرَةَ خَلَّفَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ لِقَضَاءِ دْيُونِهِ وَرَدَّ الْوَدَائِعَ الَّتِي كَانَتْ عِنْدَهُ وَ أَمْرَهُ لَيْلَةَ خَرَجَ إِلَى الْعَارِ وَ قَدْ أَحَاطَ الْمُشْرِكُونَ بِالدَّارِ أَنْ يَنَامَ عَلِيٌّ فِرَاشِهِ ص فَقَالَ لَهُ يَا عَلِيُّ أَتَشِيخُ بُرْدِي الْحَضْرَمِيِّ الْأَخْضَرَ ثُمَّ نَمَّ عَلِيٌّ فِرَاشِي فَأَبَانَهُ لَأَ يَخْلُصَ إِلَيْكَ مِنْهُمْ مَكْرُوهٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فَفَعَلَ ذَلِكَ عَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَى جَبْرِئِيلَ وَ مِيكَائِيلَ عَ أَنِّي قَدْ أَخَيْتُ بَيْنَكُمَا وَ جَعَلْتُ عُمُرَ أَحَدِكُمَا أَطْوَلَ مِنَ الْآخَرِ فَأَيُّكُمَا يُؤْتَرُ صَاحِبَهُ بِالْحَيَاةِ فَاخْتَارَ كِلَاهُمَا الْحَيَاةَ فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْهِمَا أَلَا كُتِمَا مِثْلَ عَلِيٍّ بِنِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ أَخَيْتُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ مُحَمَّدٍ ص فَنَامَ عَلِيٌّ فِرَاشِهِ يَفْدِيهِ بِنَفْسِهِ وَ يُؤْتَرُهُ بِالْحَيَاةِ اهْبِطاً إِلَى الْأَرْضِ فَاحْفَظَاهُ مِنْ عَدُوِّهِ فَتَرَا فَكَانَ جَبْرِئِيلُ عَ عِنْدَ رَأْسِهِ وَ مِيكَائِيلُ عَ عِنْدَ رِجْلَيْهِ فَقَالَ جَبْرِئِيلُ بَخْ بَخْ يَا ابْنَ أَبِي طَالِبٍ يُبَاهِي اللَّهُ بِهِ مَلَائِكَةَ السَّمَاءِ فَانزَلَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ ص وَ هُوَ مُتَوَجِّهُ إِلَى الْمَدِينَةِ وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ إِبْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ (حر عاملي، ۱۳۹۵: ۶۶۲-۶۶۴)؛ هنگامی که رسول خدا (ص) خواست هجرت کند، علی بن ابی طالب را مأمور ادای قرض

طبقه‌بندی موضوعی و تحلیل محتوایی ... (سکینه عموزادی و دیگران) ۴۱

و برگرداندن ودیعه‌ای کرد که مردم پیش پیامبر امانت گذاشته بوده‌اند و به علی آن شبی که پیامبر به سوی غار رفت و مشرکان خانه را احاطه کردند، دستو داد که بر بستر او بخوابد. به او گفت: ای علی، چادر حضرمی سبز من را بر خود بینداز و بر بستر من بخواب. پس ان‌شاءالله هیچ ضرری از آنها به تو نمی‌رسد. پس علی همان‌گونه عمل کرد پس خواند به جبرائیل و میکائیل وحی فرستاد که بی شک من شما دو نفر را برادر قرار دادم و عمر یکی از شما را طولانی‌تر از دیگری قرار دادم، پس کدام از شما دیگری را در زندگی بر خود ترجیح می‌دهد؟ هر دو زندگی را برگزیند، پس خداوند متعال به آنها وحی کرد: شما دو نفر چرا مانند علی بن ابی‌طالب نیستید که من میان او و محمد اخوت برقرار ساخته‌ام پس علی بر بستر محمد خوابید و خود را بر او نثار کرد و او را بر خود ترجیح داد. شما دو به زمین بروید پس آن دو را از دشمن محمد محافظت کنید پس آن دو فرشته نازل شده‌اند جبرئیل (ع) بر سر او بود و میکائیل (ع) پیش پای او بود، جبرئیل گفت: آفرین ای پسر ابی‌طالب، خداوند بر تو نزد فرشتگان مباحثات می‌کند. پس خداوند بر رسولش در حالی که در راه مدینه بود. این آیت نازل فرمود: «برخی از مردم کسانی هستند که جان خود برای طلب تقرب خداوند می‌فروشند».

قرآن کریم در آیه «وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ» (بقره: ۲۰۷)؛ و از مردم کسانی هستند که جان ایشان را برای رضایت خداوند می‌فروشند و خدا به بندگانش مهربان است» مضمون روایت مذکور را مورد تأیید قرار داده است؛ زیرا:

الف. وجود قرائن داخلی بر مرادبودن مؤمنان خالص در آیه: گرچه در تفسیر طبری و در برخی روایات مصداق آیه هر مجاهد و امرکننده معروف و نهی‌کننده از منکر دانسته شده است (طبری، ۱۴۱۲ق: ۲/ ۱۸۷؛ طوسی، بی تا: ۲/ ۱۸۳)؛ اما از تعبیرات آیه مذکور به خوبی استفاده می‌شود که مراد از آن هر مؤمن نیست؛ بلکه مؤمنان خاص و خالص مراد هستند که نمونه‌های آن در هر زمان به ندرت یافت می‌شوند و بالاترین فرد دارای خصوصیات ذکر شده در آیه، امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) است.

ب. دلالت روایات تفسیری بر مصداقیت امام علی برای آیه: از روایات تفسیری شیعه و اهل سنت نیز مصداقیت امام علی (ع) برای آیه مذکور قابل استفاده است که روایات شیعه در حد تواتر رسیده‌اند. همچنین از علمای اهل سنت نیز گروه کثیری این روایت را نقل کرده‌اند؛ از جمله حافظ ابونعیم از ابن عباس، ابو السعادات در فضائل العشر با اسناد خود از ابی‌یقظان عمار، حاکم در مستدرک، ذهبی در تلخیص مستدرک و اخطب خوارزم در مناقب، جوینی در فضائل الصحابه با اسناد خود از زین العابدین (ع)، مسند احمد بن حنبل، صحیح مسلم، سنن

نسائی، غزالی در احیاء و قرطبی در تفسیر خود. (موسوی سبزواری، ۱۴۰۹ق: ۲۲۵/۳). ثعلبی مفسر اهل سنت قرن پنجم نیز هنگام ذکر روایت مذکور در کنار دیگر روایات شأن نزول متذکر می‌شود که من این روایت را در کتاب‌ها دیدم. (ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ۲/۱۲۶). فخر رازی در قرن هفتم نیز روایت مذکور را جزو سه روایات شأن نزول آیه ذکر کرده است ولی متأسفانه در تفسیر آیه در کنار ذکر بقیه مصادیق همچون عمار یاسر و مادرش، صهیب، و ... یادی از امام علی (ع) به عنوان یکی از مصداق آیه نکرده است. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۲۵۰/۵) ابوحیان در قرن هشتم بدون ذکر منقول عنه به صورت قیل روایت مذکور را ذکر کرده است. (ابوحیان، ۱۴۲۰ق: ۲/۳۳۴). متأسفانه در تفاسیر مشهور قرن‌های بعدی اهل سنت همچون تفسیر الدر المشرور در قرن نهم و دهم، اثری از روایت مذکور به کلی محو شده است.

۲-۴ پاداش بهشت به پیروان امام علی (ع)

از جمله فضائل امام علی (ع) در احادیث قدسی این است که اجر پیروان آن بزرگوار بهشت بیان شده است. فضیلت بودن مسئله مذکور از این جهت است که بدون پیروی امام علی (ع) که در ذیل پیروی امامت و ولایت قرار می‌گیرد، اعتقاد به بقیه عقائد و عمل صالح مثمر ثمر نیست. سعادت و موفقیت اخروی انسان بدون پذیرش ولایت امام علی و ائمه طاهرين قابل حصول نیست.

در حدیث ۴۷۰ از رسول خدا (ص) نقل شده است: «مَنْ آمَنَ بِي وَ بِنَبِيِّي، وَ تَوَلَّى عَلِيًّا، أَدْخَلْتُهُ الْجَنَّةَ عَلَى مَا كَانَ مِنْ عَمَلِهِ (حر عاملی، ۱۳۹۵: ۵۷۲)؛ هر کس به من و پیامبرم ایمان آورد و ولایت علی را پذیرفت، او را مطابق عمل او در بهشت وارد می‌کنم». همین مضمون با اختلاف اندکی در تعبیر در حدیث ۴۷۱ نیز آمده است (همان: ۵۷۲).

در حدیث دیگری ۴۸۳ منقول از ابن عباس آمده است: «لَوْلَا عَلِيٌّ مَا خَلَقْتُ جَنَّتِي (همان: ۵۸۶)؛ اگر علی نبود بهشت را نمی‌آفریدم».

در حدیث ۴۸۹ از رسول خدا (ص) نقل شده است:

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِي وَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ: أَدْخِلَا الْجَنَّةَ مَنْ أَحَبَّكُمَا وَ النَّارَ مَنْ أَبْغَضَكُمَا وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: (الْقِيَامَةُ فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ) (همان: ۵۹۲)؛ هنگامی که روز قیامت باشد خداوند عزوجل به من و علی بن ابی طالب خواهد گفت شما

طبقه‌بندی موضوعی و تحلیل محتوایی ... (سکینه عموزادی و دیگران) ۴۳

دو محبان خود را در بهشت و مبغضان خود را در آتش وارد کنید و در حالی که این سخن خداوند عزوجل است: (شما دو تمام کافران دشمن را در جهنم بیندازید.

در حدیث ۵۲۲ صاحب کشف در حدیثی قدسی می‌نویسد: «عَنِ الرَّبِّ الْعَلِيِّ أَنَّهُ قَالَ: لَأَدْخُلَنَّ الْجَنَّةَ مَنْ أَطَاعَ عَلِيًّا وَإِنْ عَصَانِي، وَ لَأَدْخُلَنَّ النَّارَ مَنْ عَصَاهُ وَإِنْ أَطَاعَنِي (همان: ۶۵۲)؛ از پروردگار بلند نقل شده که فرمود: من حتماً کسانی را که مطیع علی باشند ولو نافرمان من باشند، در بهشت وارد می‌کنم و کسانی را که نافرمان او هستند ولو مطیع من باشند حتماً در آتش وارد می‌کنم».

آیه ولایت:

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ (مائده/۵۵)؛ بدون تردید سرپرست شما خدا و رسول او است و کسانی از اهل ایمان سرپرست شما هستند که نماز اقامه می‌کنند و زکات پرداخت می‌کند درحالی که در حال رکوع هستند.

بهترین شاهد بر مضمون روایات مذکور است؛ زیرا:

الف. شأن نزول آیه درباره امامت علی (ع): سیوطی در المثنور ۱۴ روایات از منابع معتبر اهل سنت نقل کرده است که شأن نزول آیه ولایت را عطا کردن انگشتر به سائل توسط علی بن ابی طالب (ع) بیان می‌کنند و طبق آیه همان ولایتی که خدا و رسول دارد طبق روایات شأن نزول امام علی (ع) نیز دارد. (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۲/ ۲۹۳-۲۹۵)

ب. تبیین مصداقیت آیه توسط پیامبر اکرم: طبق یک روایت منقول در تفسیر مذکور، پیامبر گرامی اسلام پس از نزول آیه در شأن علی (ع) صراحتاً فرمودند من مولای هر کس هستم علی نیز مولای او است و سپس دعا فرمود خدایا دوستدار علی را دوست بدار و دشمن او را دشمن بدار. (همان، روایت طبرانی و ابن مردویه از عمار یاسر) معلوم است دعای پیامبر مقبول درگاه حق تعالی است و دوستی و دشمنی خداوند نیز به معنای استحقاق بهشت و جهنم گرداندن مردم است. در ادامه خود آیه نیز به کسانی که از ولایت خدا، رسول و مؤمنان خالص که والاترین آنها علی بن ابی طالب و ائمه طاهرین (ع) هستند، روی بر می‌گرداند مغلوب در دنیا و آخرت معرفی شده‌اند: «وَمَنْ يُتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ (مائده: ۵۶)؛ و کسی که خدا و رسول او و اهل ایمان را دوست بدارد، پس بدون تردید فقط گروه خداوند پیروز است».

۲-۵ ولایت امام علی (ع) مایه اکمال دین

مسئله دیگر در رابطه با فضائل امام علی (ع) این است که ولایت امام علی (ع) سبب اکمال دین است. در قرآن کریم نیز آیه ولایت در رابطه با ولایت امام علی (ع) و مایه اکمال دین و اتمام نعمت بودن آن بیان شده است.

در حدیث ۴۶۵ امام صادق (ع) از حضرت علی (ع) نقل کرده است:

وَلَايَتِي أَكْمَلُ اللَّهُ لِهَذِهِ الْأُمَّةِ دِينَهُمْ وَأَتَمَّ عَلَيْهِمُ النَّعْمَ وَرَضِيَ إِسْلَامَهُمْ إِذْ يَقُولُ يُومَ الْوَلَايَةِ يَا مُحَمَّدُ أَخْبِرْهُمْ أَنِّي أَكْمَلْتُ لَهُمُ الْيَوْمَ دِينَهُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْهِمُ النَّعْمَ وَرَضِيْتُ إِسْلَامَهُمْ (حر عاملی، ۱۳۹۵: ۵۶۶)؛ خداوند به خاطر ولایت من دین این امت را کامل نمود و نعمت را بر آنها تمام کرد و اسلامشان را تأیید کرد، چون در روز ولایت (روز غدیر) فرمود: ای محمد به آنها بگو امروز دینشان را برایشان کامل کردم، نعمت را کامل کردم و اسلام آوردن آنان را پذیرفتم.

مضمون روایت مذکور سازگاری و تطابق کامل با قرآن کریم دارد و در قرآن کریم روز غدیر که روز ولایت امیرالمؤمنین (ع) است روز اکمال دین معرفی گردیده است. آیه کریمه می‌فرماید:

الْيَوْمَ يَبْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا (مائده: ۳)؛ امروز اهل کفار از دین شما نا امید شده‌اند پس از آن‌ها نه ترسید و فقط از من بترسید، امروز دین شما را کامل کردم و نعمت را بر شما تمام کردم و اسلام را به‌عنوان دین از شما پذیرفتم.

اگرچه اقوال مختلف درباره مصداق روز اکمال دین و اتمام نعمت نزد مفسران مطرح هستند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۲۸۷/۱۱)؛ اما قراین متعدد تأیید می‌کنند که مراد از «آ» روز غدیر و اعلان ولایت و وصایت امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) است. مانند اینکه:

الف. دلالت روایات بر نزول مستقل آیه: براساس احادیث متعدد فریقین جملات آیه مبنی بر یأس کفار و اکمال دین جملات معترضه هستند و به صورت جداگانه از قبل و بعد آیات فعلی نازل شده‌اند و همین امر ارتباط تنگاتنگی بین یأس کفار و واقعه مربوط به اکمال دین را می‌رساند.

طبقه‌بندی موضوعی و تحلیل محتوایی ... (سکینه عموزادی و دیگران) ۴۵

ب. بیان مصداق در روایات: قرینه دیگر روایات متعدد فریقین هستند که دلالت دارند آیه اکمال در غدیر و پس از اعلان ولایت و وصایت علی بن ابی طالب (ع) نازل شده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۵/۱۶۵).

۲-۶ بستن تمامی درهای مسجد به جز باب امام علی (ع)

یکی دیگر از مسائل مطرح در رابطه با فضائل امام علی (ع) این است که از طرف خداوند دستور به بستن درهای خانه‌های مسلمانان صدر اسلام که به مسجد نبوی باز می‌شده‌اند، آمد و تنها در خانه امام علی و فاطمه زهرا بوده که از این حکم مستثنا شده.

در حدیث ۳۸۲ از امام باقر (ع) نقل شده است:

إِنَّ اللَّهَ أَوْحَىٰ إِلَىٰ نَبِيِّهِ (ص) أَنْ طَهَّرَ مَسْجِدَكَ وَأَخْرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ مَنْ يَرُقُدُ فِيهِ بِاللَّيْلِ وَ مَرُّ بَسَدِ أَبْوَابِ مَنْ كَانَ لَهُ فِي مَسْجِدِكَ بَابٌ إِلَّا بَابَ عَلِيٍّ ع وَ مَسْكَنَ فَاطِمَةَ وَ لَا يَمُرُّ فِيهِ جُنُبٌ وَ لَا يَرُقُدُ فِيهِ غَرِيبٌ فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) بَسَدَ أَبْوَابِهِمْ إِلَّا بَابَ عَلِيٍّ وَ أَقْرَبَ مَسْكَنَ فَاطِمَةَ عَلَىٰ حَالِهِ (حر عاملی، ۱۳۹۵: ۴۶۴)؛ بی تردید خداوند بر نبی خود وحی فرستاد که مسجدت را تطهیر کنی و از مسجد بیرون کنی کسانی را که می‌خواهند در مسجد شب را بگذرانند و دستور به بستن درهای کسانی را بدهید که درهای آن‌ها در مسجد تو قرار دارند مگر را درب علی و خانه فاطمه و نه مجنب از آن هرگز عبور کند و نه غریبی در آن بخوابد، پس رسول خدا (ص) دستور داد درهایشان را ببندند، جز درب علی، و خانه فاطمه را چنان که بود، باقی نگه داشت.

این روایت مورد تأیید روایات بسیار شیعه و اهل سنت است و همچنین با تاریخ صدر اسلام نیز سازگاری دارد. مانند اینکه در مسند حنبل روایتی به این مضمون آمده است (ابن حنبل، ۱۴۱۶ق: ۴/۳۶۹) و همچنین شیخ صدوق روایتی مشابه نقل کرده است (صدوق، ۱۳۷۶ش: ۲۷۳-۲۷۴).

گرچه بسته‌شدن تمام درهای خانه‌های اصحاب که به مسجد نبوی باز می‌شده‌اند، به دستور پیامبر و اجازه باقی نگهداشتن در خانه امام علی و فاطمه (ع) مستقیم در قرآن مطرح نشده است؛ اما به‌طور غیرمستقیم می‌توان صحت این واقعه را از برخی آیات قرآن استنباط کرد؛ از جمله اینکه همان‌گونه که در احادیث قدسی مربوط به این مسئله وجود دارد هدف از دستور مبنی بر بستن درهای خانه‌های همجوار مسجد حفظ پاکیزگی خانه خدا بوده است؛ چون

دستور بستن درها در ردیف اموری همچون نهی از نجس کردن مسجد، عدم اجازه رد شدن مجنب از مسجد، عدم اجازه پختن غذا و خوابیدن در مسجد قرار گرفته که تمام ممنوعیت‌های ذکر شده درباره مسجد، به یک دستور کلی بر می‌گردد و آن احتمال و خوف نجس شدن مسجد از امور مذکور بوده است. لذا استفاده می‌شود که بین دستور بست درها و طهارت رابطه ای وجود دارد. جالب است که در برخی از اقوال راجع به مصداق اهل بیت در آیه تطهیر (احزاب: ۳۳)، اهل مسجد رسول خدا به عنوان مصداق اهل بیت معرفی شده‌اند (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۱۸۷/۱۱). بنابراین معلوم می‌شود که بین اهل مسجد رسول خدا بودن و پاکیزگی و عصمت به نظر برخی از مسلمانان صدر اسلام رابطه وجود داشت و بعید نیست گذاشتن درهای خانه‌ها داخل مسجد توسط برخی از اصحاب پیامبر بر همین مبنا باشد. لذا دستور به بستن درها و باقی نگه داشتن در خانه اهل بیت در راستای انحصار مصداقیت اهل بیت عصمت و طهارت به خمسه طیبه پیامبر، علی، فاطمه، حسن و حسین باشد.

۲-۷ امام علی (ع) یاری‌دهنده پیامبر اکرم (ص)

از جمله فضائل امام علی (ع) مطرح شده در احادیث قدسی این است که امام علی (ع) یاور و مددگار پیامبر اکرم بوده‌اند. خداوند پیامبری را توسط امام علی (ع) یاری رسانده است که دارای رحمت جهانی و باعث خلقت کائنات است.

در حدیث ۳۹۵ کتاب الجواهر السنیه از رسول خدا (ص) نقل شده است:

أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا وَحَدِي خَلَقْتُ جَنَّةَ عَدْنٍ بِيَدِي مُحَمَّدٌ صَفْوَتِي مِنْ خَلْقِي أُيِّدْتُهُ بِعَلِيِّ وَ نَصَرْتُهُ بِعَلِيِّ (حر عاملی، ۱۳۹۵: ۴۷۸)؛ من خدا هستم، معبودی جز من نیست، باغ عدن را با دستان خود آفریدم، محمد برگزیده من است، من او را به واسطه علی حمایت کردم و به واسطه علی کمکش کردم.

در حدیث ۵۰۹ از رسول خدا (ص) نقل شده است:

رَأَيْتُ لَيْلَةَ أُسْرِي بِي مُثَبَّتًا عَلَى سَاقِ الْعَرْشِ: أَنَا غَرَسْتُ جَنَّةَ عَدْنٍ مُحَمَّدٌ صَفْوَتِي مِنْ خَلْقِي أُيِّدْتُهُ بِعَلِيِّ (همان: ۶۳۲)؛ من شب معراج بر پای عرش نوشته ای دیده‌ام: بهشت عدن را غرس کردم محمد برگزیده من است، او را با علی یاری کردم.

حدیث مذکور در منابع دیگر روایی شیعه و اهل سنت همراه با سند کامل نقل شده است؛ مانند اینکه حسکانی در تفسیر شواهد التنزیل روایات متعدد درباره مضمون مذکور از طریق

طبقه‌بندی موضوعی و تحلیل محتوایی ... (سکینه عموزادی و دیگران) ۴۷

صحابه از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده است. از جمله اینکه روایاتی از طریق ابوهریره، انس بن مالک، جابر انصاری، ابی الحمراء (خادم پیامبر) نقل کرده است (حسکانی، ۱۴۱۱: ۲۹۳/۱-۲۹۹). همچنین محدثین و دانشمندان دیگر اهل سنت مانند هیشمی در مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۲۱؛ ابن عساکر در تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۳۵۳، ط ۲؛ متقی هندی در کنز العمال، ج ۶، ص ۱۵۸؛ محب طبری در ذخائر العقبی، ص ۶۹ و دیگران روایت مذکور را با کمی اختلاف نقل کرده‌اند (همان، ۲۹۶/۱، پاورقی ۱).

در آیات مختلف قرآن کریم تأیید مضمون مذکور وجود دارد؛ از جمله:

الف. آیه ۶۴ سوره انفال است که خداوند متعال برای یاری رساندن به پیامبر اکرم خود و مؤمنان فرمانبردار پیامبر را برای پیامبر کافی دانسته است: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ». در احادیث متعدد اهل سنت نزول آیه مذکور در شأن علی بن ابی طالب (ع) بیان شده است. مانند اینکه حسکانی در ذیل آیه مذکور دو روایت نقل کرده است که طبق آن ها آیه مذکور در شأن علی بن ابی طالب (ع) نازل شده است (همان: ۳۰۱/۱). اگر دیگر روایات اهل سنت را در نظر بگیریم که نزول آیه مذکور درباره برخی دیگر از افراد نیز دانستند (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۲۳۴/۲) علی بن ابی طالب (ع) به عنوان اولین و برترین یاور پیامبر اکرم هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۲۳۴/۷).

ب. آیه ۲۹ سوره طه است که در آن درباره دعای حضرت موسی (ع) از خداوند راجع به یاری خود توسط هارون و به استجاب رسیدن دعای موسی (ع) سخن به میان آمده است:

وَاجْعَلْ لِي وَاخِي هَارُونَ مِنْ أَهْلِي، هَارُونَ أَخِي، اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي، قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى
(طه: ۲۹-۳۱، ۳۶)؛ و وزیر من از میان اهل من قرار بده، هارون برادرم را، به واسطه هارون کمرم را محکم ساز، خدا فرمود ای موسی درخواست شما به تو اعطا شده است.

در روایات متعدد آمده است که پیامبر اکرم با استناد به آیه مذکور علی بن ابی طالب (ع) را بشارت داد که ایشان نیز همانند موسی (ع) درباره وصایت امام علی (ع) دعا کرده‌اند و دعای ایشان نیز به مقام استجاب رسیده است؛ مانند اینکه حسکانی مضمون مذکور را از حذیفه بن اسید و صحابه اسماء بن عمیس، ابن عباس نقل کرده است (حسکانی، ۱۴۱۱: ۴۷۸/۱-۴۸۴) و همچنین مضمون مذکور توسط عدی بن ثابت انصاری نیز نقل شده است که ایشان جزو راویان صحاح سته است و ابن مغزلی در مناقب علی بن ابی طالب، ص ۲۵۲ نیز نقل کرده است (همان: ۴۷۸/۱، پاورقی ۱).

۲-۸ جایگاه دوستدارن امام علی (ع)

مسئله دیگر در احادیث قدسی مربوط به فضائل امام علی (ع) این است که دوستداران امام علی (ع) مقام و جایگاه ویژه و مهم دارند. دوستداری امام علی (ع) سبب اصلی سعادت اخروی انسان و رهایی از بدبختی اخروی دانسته شده است. برخی احادیث قدسی معیار شناخت دوستداری خداوند و اطاعت او را نیز دوستداری امام علی (ع) دانسته‌اند. همچنین مقام دوستداران امام علی (ع) نزد خداوند همانند مقام امام علی (ع) نزد پیامبر اکرم معرفی شده است.

در حدیث ۳۹۷ کتاب الجواهر السنیه از امام صادق (ع) از پدران او از رسول خدا (ص) نقل شده است:

أَتَانِي جِبْرِئِيلُ مِنْ قِبَلِ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُفْرِيكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ لَكَ بَشْرًا أَخَاكَ عَلِيًّا بَأَنِّي لَأُعَذِّبُ مَنْ تَوَلَّاهُ وَلَا أَرْحَمُ مَنْ عَادَاهُ (حر عاملی، ۱۳۹۵: ۴۸۰)؛
جبرئیل از جانب پروردگرم نزد من آمد و گفت: ای محمد، خدای عزوجل بر تو درود می‌فرستد و به تو می‌گوید به برادرت علی مژده بدهید که من دوستداران او را عذاب نمی‌کنم و دشمنان او را مورد رحم قرار نمی‌دهم.

در حدیث ۴۲۱ نیز روایت مشهوری از رسول خدا (ص) آمده است: «قَالَ اللَّهُ لَوْ اجْتَمَعَ النَّاسُ كُلُّهُمْ عَلَيَّ وَكَلَايَةَ عَلِيٍّ مَا خَلَقْتُ النَّارَ» (همان: ۵۰۸)؛ خداوند فرمود اگر همه مردم در ولایت علی متحد می‌شدند آتش را نمی‌آفریدم.

در حدیث ۴۲۳ این کتاب از ابن عباس نقل شده است که رسول خدا (ص) فرمودند:

... يَا مُحَمَّدُ اللَّهُ الْعَلِيُّ الْأَعْلَى يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ وَيَقُولُ مُحَمَّدٌ نَبِيُّ رَحْمَتِي وَعَلِيٌّ مُقِيمٌ حُجَّتِي لَا أُعَذِّبُ مَنْ وَالَاهُ وَإِنْ عَصَانِي وَلَا أَرْحَمُ مَنْ عَادَاهُ وَإِنْ أَطَاعَنِي (همان: ۵۱۲)؛ ای محمد خدای تعالی بر تو درود می‌فرستد و می‌گوید محمد پیامبر رحمت من است و علی اقامه‌کننده حجت من است و من دوستدار علی را عذاب نمی‌کند گرچه نافرمان من باشد و دشمن علی را رحم نمی‌کنم گرچه مطیع من باشد.

در حدیث ۴۴۴ کتاب الجواهر السنیه از امام حسین (ع) نقل شده است:

لَمَّا بَعَثَ اللَّهُ مُوسَى كَلِمَهُ عَلَى طُورِ سَيْنَا ثُمَّ اطَّلَعَ عَلَى الْأَرْضِ اطِّلاَعَةً فَخَلَقَ مِنْ نُورٍ وَجْهَهُ الْعَقِيقَ ثُمَّ قَالَ اللَّهُ: أَلَيْتُ عَلَى نَفْسِي عَلَى نَفْسِي أَلَا أُعَذِّبُ كَفَّ لَابِسٍ إِذَا تَوَلَّى عَلِيًّا بِالنَّارِ (همان: ۵۱۲)؛

طبقه‌بندی موضوعی و تحلیل محتوایی ... (سکینه عموزادی و دیگران) ۴۹

(۵۴۰)؛ هنگامی که خداوند موسی را در کوه سینا فرستاد، سپس به زمین نگاه کرد و از نور صورتش عقیق را آفرید سپس خدا فرمود: با خود قسم خوردم که اگر دوستدار علی باشد او را با کف پُر از آتش عذاب نمی‌کنم.

در حدیث ۴۰۱ کتاب الجواهر السنیه از حضرت رسول (ص) از جبرئیل، از لوح و قلم نقل شده است: «وَلَا يَهُ عَلِيٌّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي مِنْ نَارِي (همان: ۴۸۶)؛ ولایت علی بن ابی طالب قلعه‌ام است پس هر کس در قلعه من وارد شد از آتش من درامان است». همین مضمون در حدیث ۴۶۲ (همان: ۵۶۲)؛ و ۴۷۴ نیز آمده است (همان: ۵۷۶).

در حدیث ۴۷۸ رسول خدا (ص) به حضرت علی (ع) فرمودند:

يَا عَلِيُّ بُشِّرْنِي جِبْرَائِيلُ عَنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ بُشِّرْ أَخَاكَ عَلِيًّا بَأَنِّي لَا أُعَذِّبُ مَنْ تَوَلَّاهُ وَلَا أَرْحَمُ مَنْ عَادَاهُ (همان: ۵۸۰)؛ ای علی جبرئیل از طرف پروردگار جهانیان بشارت داد ای محمد به بردارت علی بشاره بده که من دوستدار او را عذاب نمی‌کنم و بر دشمنش ترحم نمی‌کنم.

در حدیث ۵۲۰ از ابن عباس نقل شده است:

جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: هَلْ يُنْفَعُنِي حُبُّ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: وَيْحَكَ، مَنْ أَحَبَّهُ أَحْبَبَنِي وَمَنْ أَحْبَبَنِي أَحَبَّ اللَّهُ، وَمَنْ أَحَبَّ اللَّهَ لَمْ يُعَذِّبْهُ. فَقَالَ الرَّجُلُ: زِدْنِي مِنْ فَضْلِ مَحَبَّةِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. فَقَالَ: أَسْأَلُ لَكَ عَنْ ذَلِكَ جِبْرَائِيلَ. فَهَبَطَ جِبْرَائِيلُ لَوْقَتِهِ فَسَأَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَخْبَرَهُ بِقَوْلِ الرَّجُلِ. فَقَالَ جِبْرَائِيلُ: «سَأَسْأَلُ عَنْ ذَلِكَ رَبَّ الْعِزَّةِ»، وَارْتَفَعَ. فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: أَقْرَأْ مُحَمَّدًا خَيْرَتِي مِنْ السَّلَامِ وَقُلْ لَهُ: «أَنْتَ مِنْنِي بِحَيْثُ شِئْتَ أَنَا، وَعَلِيٌّ مِنْكَ بِحَيْثُ أَنْتَ مِنْنِي، وَمُجِئُو عَلِيٍّ مِنْنِي بِحَيْثُ عَلِيٌّ مِنْكَ (همان: ۶۵۰)؛ مردی پیش نبی (ص) آمد و گفت: آیا محبت علی برای من فایده ای دارد. فرمود: هلاک باش، محب او محب من است و محب من محب خدا است و محب خدا مورد عذاب واقع نمی‌شود. پس مرد گفت: فضایل محبت علی را برای من بیشتر بازگو کنید پس فرمود: من از طرف تو این سوال را از جبرئیل می‌پرسم پس جبرئیل نازل شد پس رسول خدا از او پرسید و درباره سخن آن مرد خبر داد پس جبرئیل گفت: من درباره این مسئله از خدا می‌پرسم و به آسمان رفت پس خدا بر او وحی فر فرستاد: بر محمد منتخب من سلام بخوان و به او بگو: شما از من هستید موقعی که من بخوام و علی از توست جایی که تو از من باشی و محبان علی از من هستند جایی که علی از شما است.

در حدیث ۵۲۱ نیز مضمون همین حدیث از ابن عباس نقل شده است (همان: ۶۵۲).
در حدیث ۵۳۲ ابن عباس از رسول خدا (ص) درباره دوست داشتن امام علی (ع) سوال پرسیدند، رسول خدا (ص) به نقل از شب معراج فرمودند:

... قَالَ أَحِبَّ عَلِيًّا فَمَنْ أَحَبَّهُ فَقَدْ أَحَبَّنِي وَمَنْ أَبْغَضَهُ فَقَدْ أَبْغَضَنِي يَا مُحَمَّدُ حَيْثُ تَكُنْ يَكُنْ عَلِيٌّ وَ حَيْثُ يَكُنْ عَلِيٌّ يَكُنْ مُحِبُّوهُ وَإِنْ اجْتَرَحُوا (همان: ۶۶۸-۶۷۰)؛ علی (ع) را دوست دارم پس هر کس علی را دوست بدارد در حقیقت مرا دوست داشته است و هر کس علی (ع) را دشمن بدارد، مرا دشمن داشته است ای محمد (ص) تو هر جا باشی، علی هم با توست و هر جا علی باشد، دوستانش هم با او خواهند بود، هر چند آلوده به گناه باشند.

تأیید قرآنی مضمون مذکور می‌تواند در آیاتی باشد که وجوب اطاعت از امام علی (ع) و ائمه طاهرین و لزوم ولایت‌پذیری آن حضرات را می‌رسانند؛ زیرا تکلیف بدون جزا و مجازات لغو است و باید اطاعت از امام علی (ع) و ولایت‌پذیری ایشان اجر و ثواب و مخالفت و ولایت‌ناپذیری ایشان عذاب و عقاب داشته باشد. مضمون روایات مذکور نیز دلالتی غیر از آن ندارند و شخص امام علی (ع) و دارای اجر بودن اطاعت شخص ایشان مدنظر روایات نیست؛ بلکه به عنوان ولی خدا و وصی و جانشین پیامبر چنین استحقاق برای پیروانشان مدنظر است. در ذیل چند نمونه ذکر می‌کنیم:

الف. دلالت روایات تفسیری بر نجات مردم به وسیله اطاعت امام علی (ع): در برخی روایات صراحتاً اطاعت از امام علی (ع) به عنوان خلیفه و برادر رسول خدا باعث نجات از گمراهی و رسیدن به هدایت و سعادت دانسته شده است و آیات نیز به عنوان شاهد بر مطلب مذکور ذکر شده‌اند. مانند اینکه در روایت مفصل در یک بخش از زبان پیامبر خدا این گونه نقل شده است:

هنگامی که خداوند این آیه نازل فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسُكُمْ (مائده/۱۰۵)؛ ای اهل ایمان نگهبان خودتان باشید». پیامبر خدا فرمودند: ای مردم نگهداری بر عهده خودتان است اگر شما هدایت یافته باشید گمراهی فرد گمراه آسیبی به شما نمی‌رساند و علی (ع) جان و برادر من است اطاعت از علی کنید بی تردید او پاکیزه و معصوم است پس گمراه و شقی نخواهید شد: «فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى (طه/۱۲۳)؛ پس گمراه و معصیت کار نمی‌شود». سپس این آیه تلاوت کردند: «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِين (نور/۵۳)؛ بگو مطیع خدا و مطیع رسول باشید پس اگر انکار کردید پس او مسئول کارهای خود و

طبقه‌بندی موضوعی و تحلیل محتوایی ... (سکینه عموزادی و دیگران) ۵۱

شما مسئول کارهایتان هستید و اگر مطیع او باشید هدایت یافته‌اید و کار رسول تنها رساندن پیام واضح است (صدوق، ۱۴۰۳، ص ۳۵۲).

ب. دلالت آیه اولی الامر بر وسیله نجات بودن اطاعت امام علی (ع): آیه صریح در وجوب اطاعت امام علی و ائمه طاهرين عليهم السلام به عنوان اولی الامر، آیه اولوا الامر است. آیه ۵۹ سوره نساء که معروف به آیه اولوا الامر است می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ (نساء/۵۹)؛ ای اهل ایمان مطیع خدا و مطیع رسول و مطیع صاحب امر از میان خودتان باشید». در تفسیر اولوا الامر سه قول مطرح هستند. طبق روایت ابو هریره مراد عموم حاکمان اسلامی هستند. طبق روایت جابر انصاری مراد علماء هستند و براساس روایات امامیه مراد ائمه طاهرين (ع) هستند. اطلاق در وجوب اطاعت از اولوا الامر سازگاری با معنای سوم دارد؛ زیرا وجوب اطاعت از اولوا الامر به طور مطلق و بدون قید و شرطی که از اطاعت مطلق خدا و پیامبر قابل استنباط است، در صورتی توجیه‌پذیر است که اولوا الامر افرادی مصون از خطا و گناه و به عبارت دیگر معصوم باشند و مصداق چنین افراد جز ائمه طاهرين (ع) کسی نیست (طوسی، بی تا: ۲۳۶/۳).

البته روایات اهل سنت نیز امیرالمؤمنین (ع) را به عنوان تفسیر اولوا الامر بیان کرده‌اند؛ مانند اینکه حسکانی از مجاهد روایت نقل کرده است که «اولی الامر منکم» هنگامی نازل شد که پیامبر اسلام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) را در مدینه جانشین خود قرار داد. امیرالمؤمنین گفت: مرا بر زنان و بچه‌ها جانشین قرار می‌دهید. پیامبر فرمود: آیا راضی نیستید که برای من به منزله هارون از موسی باشید آن موقعی که موسی گفت: جانشین من در قوم باشید و اصلاح کنید. خداوند فرمود: (و اولی الامر منکم) و او علی بن ابی طالب (ع) است که خداوند او را پس از محمد (ص) در حیات پیامبر حاکم قرار داد هنگامی که پیامبر ایشان را در مدینه جانشین خود مقرر نمود (حسکانی، ۱۴۱۱: ۱۹۰/۱). حاکم حسکانی این حدیث را از طرق مختلف نقل کرده است و در آخر متذکر می‌شود که به گفته عالم بزرگ ما ابو حازم او حدیث منزلت را از پنج هزار سلسله سند نقل کرده است (همان، ۱۹۵/۱).

۲-۹ فضائل چندگانه امام علی (ع)

مسئله دیگر مطرح در رابطه با فضائل امام علی (ع) ذکر فضائل چندگانه در برخی احادیث قدسی است. از جمله این فضائل عبارتند از امام پرهیزگاران، رهبر شجاعان سفیدرویان، سردار مؤمنان و

در حدیث ۴۱۰ نیز از امام صادق (ع) درباره فضائل امام علی (ع) نقل شده است:

إِنَّ الْمَنْصُورَ قَالَ الصَّادِقُ حَدَّثَنِي عَنْ فَضَائِلِ جَدِّكَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حَدِيثًا لَمْ تَأْتِرْهُ الْعَامَّةُ: فَقَالَ الصَّادِقُ ع حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: لَمَّا أُسْرِيَ بِي إِلَى السَّمَاءِ عَهَدَ إِلَيَّ رَبِّي جَلَّ جَلَالُهُ فِي عَلِيٍّ ثَلَاثَ كَلِمَاتٍ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ فَقُلْتُ لِيَبْنِكَ رَبِّي وَ سَعْدِيكَ فَقَالَ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ عَلِيًّا إِمَامُ الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدُ الْفِرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ يَعْسُوبُ الْمُؤْمِنِينَ فَبَشَّرَهُ بِذَلِكَ فَبَشَّرَهُ النَّبِيُّ ص بِذَلِكَ فَخَرَّ عَلِيُّ ع سَاجِدًا شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ بَلِّغْ مِنْ قَدْرِي حَتَّىٰ إِنِّي أَذْكَرُ هُنَاكَ قَالَ نَعَمْ وَ إِنَّ اللَّهَ يَعْرِفُكَ وَ إِنَّكَ لَتُذْكَرُ فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَى فَقَالَ الْمَنْصُورُ ذَلِكَ فَضَّلَ اللَّهُ يُؤْتِيهِ مِنْ يَشَاءُ (حر عاملی، ۱۳۹۵: ۴۹۸)؛ منصور گفت امام صادق از فضائل جد تو علی بن ابی‌طالب به من سخنی نقل کن که اهل سنت آن فضیلت را نپذیرد. پس امام صادق (ع) فرمود پدرم از پدرم و از از جدم نقل کرد گفت رسول خدا گفت: هنگامی که مرا به آسمان بردند، پروردگارم در مورد علی سه کلمه از من تعهد گرفت پس گفت ای محمد پس من گفتم حاضر هستم ای پروردگار من و از تو خوشخالم. سپس حق تعالی فرمود: همانا علی امام پرهیزگاران و پیشوای شجاعان سفیدرویان است. و سردار مومنان، پس او را به آن مژده بده، پس پیامبر (ص) به او بشارت داد و علی (ع) به سجده افتاد و خدای تعالی را شکر کرد. سپس سرش را بلند کرد و گفت یا رسول الله سرنوشت مرا برسان تا در آنجا از من یاد کنند، فرمود: آری و خدا تو را می‌شناسد و در رفیق اعلی ذکر می‌شوی، منصور گفت: این فضل خداست، آن را به هر که بخواهد می‌دهد.

در حدیث (۵۱۰) نیز همین مضمون با تعبیر دیگری آمده است (همان: ۶۳۲).

در حدیث ۵۲۵ از انس بن مالک از رسول خدا (ص) نقل شده است:

إِنَّ رَبَّ الْعَالَمِينَ عَهَدَ إِلَيَّ فِي عَلِيٍّ عَهْدًا أَنَّهُ رَأْيُهُ الْهُدَى، وَ مَنَارُ الْإِيمَانِ، وَ إِمَامُ أَوْلِيَائِي، وَ نُورٌ جَمِيعٍ مِّنْ أَطَاعَنِي (همان: ۶۵۸)؛ همانا پروردگار جهانیان درباره علی با من عهد بست که او پرچمدار هدایت و چراغ ایمان و امام دوستانم و نور اطاعت کنندگان من است.

طبقه‌بندی موضوعی و تحلیل محتوایی ... (سکینه عموزادی و دیگران) ۵۳

روایت اول در منابع دیگر روایی همچون امالی شیخ صدوق (صدوق، ۱۳۷۶: ۴۷۴، ح ۱۷؛ ۳۵۲، ح ۷؛ ۶۱۴، ح ۹؛ ۳۴۶، ح ۵۰)، مناقب ابن شهر آشوب (۱۳۷۹ق: ۶۵/۳)، تفسیر البرهان (بحرانی، ۱۳۷۴: ۹۲/۵، ح ۹۹۱۸) و بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۲۱۹/۱۰، ح ۸، ۳۶۱/۱۰، ح ۲؛ ۳۴۰/۱۸، ح ۴۵ ...) نیز نقل شده است. (صدوق، ۱۳۶۲: ۴۳۲/۲، ح ۱۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ۱۸۱/۴، ح ۴۷) (فضل الله، ۱۴۱۹ق: ۳۴۲/۷).

روایت اخیر در منابع روایی امامیه نیز مکررا ذکر شده است؛ مانند اینکه از پیامبر گرامی اسلام به این مضمون روایت نقل شده است (امینی، ۱۳۶۴-۱۳۷۰ش: ۲۷۸/۱)؛ همچنین از امام باقر (ع) نیز روایتی مشابه منقول است (صدوق، ۱۳۷۶ش: ۴۷۸). همچنین روایت مذکور در بحار الانوار (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۳۹/۱۸، ح ۴۱، ۱۰۴/۳۸، ح ۳۰؛ ۸۱/۴۰)؛ اثبات الهدایه (حرعاملی، ۱۴۲۵: ۲۶۹/۳) نیز نقل شده است.

الف. وجود برخی از فضائل چندگانه امام علی (ع) در قرآن: در روایات مشابه روایات دوگانه مذکور که در منابع فوق الذکر نقل شده‌اند و به‌ویژه در تفسیر البرهان، جمله ای از فضائل امیرالمؤمنین (ع) اضافه شده که اقتباس از آیه قرآنی است، آن جمله این است: «وَهُوَ الْكَلِمَةُ الَّتِي أَلَزَمْتُهَا الْمُتَّقِينَ» (بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۹۱/۵-۹۲)؛ او کلمه‌ای است که متقیان از آن جدائی ندارند». این فضیلت بر گرفته از آیه ۲۶ سوره فتح است که می‌فرماید: «فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ أَلَزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَ كَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا؛ پس خداوند آرامش خود را بر فرستاده‌اش و بر مؤمنان فرو فرستاد و آنان را به گفتار پارسایی ملزم ساخت».

طبق روایت امام رضا (ع) مراد از سخن تقوا، ولایت امیرالمؤمنین (ع) است (همان ۹۲/۵). در روایتی از پیامبر اسلام نقل شده که فرمودند: «ما کلمه تقوا و راه هدایت هستیم» (صدوق، ۱۳۶۲: ۴۳۲/۲؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق: ۱۸۱/۴). از امام رضا (ع) نیز نقل شده است که فرمود: «ما کلمه تقوا و دستگیره محکم الهی هستیم» (صدوق، ۱۳۹۵ق، ۲۰۲/۱).

ب. بیان برخی از فضائل چندگانه امام علی (ع) توسط مفسران: در تفاسیر نیز کلمه التقوی به روح تقوا معنا شده است که مهم‌ترین عامل و منشأی به وجود آمدن تقوا، توحید الهی است. پیامبر اکرم و ائمه طاهریین علیهم السلام نیز با توجه به این داعیان الی الله و منادیان توحید هستند لذا نبوت و ولایت مکمل توحید و معرفت الله به حساب می‌آید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۹۸/۲۲).

۲-۱۰ امام علی (ع) پرچم هدایت

یکی از مسائل مطرح در احادیث قدسی مرتبط با فضائل امام علی (ع) پرچم هدایت بودن ایشان است. مانند اینکه در حدیث ۴۵۹ امام صادق (ع) از رسول خدا (ص) نقل کرده است:

قال الله... أَلَا وَ قَدْ جَعَلْتُ عَلِيًّا عَلِمًا لِلنَّاسِ، فَمَنْ تَبِعَهُ كَانَ هَادِيًّا، وَمَنْ تَرَكَهُ كَانَ ضَالًّا، لَا يُحِبُّهُ إِلَّا مُؤْمِنٌ وَلَا يُبْغِضُهُ إِلَّا مُنَافِقٌ (حر عاملی، ۱۳۹۵: ۵۶۲)؛ خداوند فرمود: آگه باشید علی را نشانه و پرچم برای هدایت مردم قرار داده ام پس هر کس از او تبعیت کرد هدایت یافته است و هر کس از او را رها کرد گمراه است. او را جز مؤمن دوست ندارد و کسی دشمن او نیست جز منافق.

مضمون احادیث قدسی مبنی بر پرچم هدایت بودن امام علی (ع) در آیات مختلف قابل تأیید است؛ از جمله:

الف. آیه اکمال: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا» (مائده: ۳)؛ امروز دینتان را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام را دین شما پسندیدم» اعلان ولایت علی (ع) و معرفی علی (ع) به عنوان نشانه هدایت توسط پیامبر اکرم و با دستور خداوند متعال را گوشزد می کند. این مطلب مؤید بخش اول مفهوم روایت مذکور به حساب می آید؛ زیرا این بخش امام علی (ع) را نشانه ای برای مردم معرفی می کند که خداوند ایشان را بر این منزلت جای داد و اتباع از ایشان را موجب هدایت و رو برگرداندن از ایشان را موجب گمراهی و ضلالت بیان می کند. آیه اکمال نیز مضمونی در تأیید این مطلب دارد که اعلان ولایت امیرالمؤمنین و قرار دادن ولایت امیرالمؤمنین در کنار و هم ردیف ولایت پیامبر اکرم معنایی جز این ندارد که ولایت امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین در تمام احکام و جزئیات همانند ولایت پیامبر اکرم است. از جمله احکام ولایت پیامبر اکرم و وجوب اطاعت و مایه هدایت بودن ایشان است.

ب. آیه اولی الامر: بخش دوم مضمون روایت مذکور مبنی بر اینکه محبت علی (ع) جز از مؤمن سر نمی زند و عداوت و دشمنی با علی (ع) جز از منافق سر نمی زند، از مفهوم آیه اولوا الامر قابل استنباط است؛ آیه اولوا الامر پس از دستور دادن به اطاعت از اولوا الامر می فرماید:

فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ (نساء: ۵۹) اگر شما در باره چیزی نزاع کنید باید داوری آن را به خدا و رسول واگذار کنید اگر ایمان به خدا و روز آخرت دارید.

لازمه ایمان به خدا و روز قیامت را مراجعه به اولوا الامر برای قضاوت بیان کرده است و معلوم است محبت به اولوا الامر به تنهایی مطلوب نیست؛ بلکه باید به لوازمات محبت تمسک جست که مهم‌ترین لازمه محبت، عمل به دستورهای محب است. گرچه ظاهر آیه مذکور دلالت بر وجوب مراجعه به خدا و رسول هنگام نزاع‌ها است؛ اما معلوم است اولوا الامر را نیز شامل است. علت عدم ذکر اولی الامر همانند ذکر نشدن اطاعت مستقل برای اولوا الامر در آیات دیگر است. علت دیگر ذکر نشدن نام اولی الامر در آیه این است که اولوا الامر جانشین پیامبر است. لذا وظیفه تشریح احکام بر عهده او نیست؛ بلکه وظیفه امام به‌عنوان جانشین پیامبر تبلیغ و اجرای احکام شرعی است (فضل الله، ۱۴۱۹ق: ۳۲۳/۷).

جالب است آیه بعدی عدم مراجعه به اولوا الامر در حل نزاع‌ها را نشانه نفاق دانسته است. آیه می‌فرماید:

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَىٰ الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنكَ صُدُودًا (نساء/۶۱)؛ هنگامی که به آنها گفته شود که به احکام خدا و رسول مراجعه کنید منافقان را می‌بینید که کاملاً از این دستور روی گردان هستند.

در این آیه (نساء: ۶۰) بیان شده است که افرادی در امت پیامبر اکرم وجود دارند که گمان دارند ایمان به قرآن و کتاب‌های پیشین آوردند و سپس برای قضاوت پیش طاغوت می‌روند درحالی که آنها از مراجعه به طاغوت منع شدند، این گونه افراد در حقیقت گرفتار وسوسه‌های شیطانی هستند و شیطان می‌خواهد آنها را به گمراهی عمیق فرو ببرد. در آیه ۶۱ صراحتاً اسم منافقان را آورده و بیان نموده است که وقتی به این افراد گفته شود که به احکام خدا و پیامبرش مراجعه کنند شما منافقین را بسیار بازدارنده از این دستور خواهید یافت.

ج. یکی از معانی همراهی قرآن و امام علی (ع) که از روایت مشهور (علی مع القرآن و القرآن مع علی) که در منابع حدیثی متعدد حدیثی شیعه و اهل سنت آمده است قابل استفاده است همراهی این دو در هدایت که می‌تواند به دو شکل وجود داشته باشد. یکی اینکه هر کدام از قرآن و امام علی (ع) به سوی یک دیگر دعوت می‌کنند. این امر از روایت امام سجاد (ع) نیز قابل استنباط است که در مقام بیان معنای معصوم فرمودند: (هو المعتمَص بحبل الله و حبل الله هو القرآن لا یفترقان الی یوم القیامة) (مجلسی، ۱۴۰۴، ۱۹۴/۲۵)؛ چنگ زننده به ریسمان الهی که همان قرآن است. و این دو تا روز قیامت از هم جدا نمی‌شوند. معنای دوم همراهی قرآن و علی در هدایت این است که هر دو هادی امت هستند. قرآن می‌فرماید: (إنَّ هَذَا الْقُرْآنَ یَهْدِی

للتی هی اقوم (اسراء/۹)؛ قطعاً این قرآن به آیینی که خود پایدارتر است راه می‌نماید). امام باقر در تفسیر آیه (أَمَّا أَنْتَ مَنْذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ (رعد/۷)؛ ای پیامبر تو هشدار دهنده ای و برای هر قومی رهبری است، می‌فرماید: و لِكُلِّ زَمَانٍ مِّنَّا هَادٍ يَهْدِيهِمْ إِلَى مَا جَاءَ بِهِ النَّبِيُّ، ثُمَّ الْهَدَاةُ مِنْ بَعْدِهِ عَلِيٌّ (ع) ثُمَّ الْأَوْصِيَاءُ وَاحِدٌ بَعْدَ وَاحِدٍ (کلینی، ۱۳۶۵، ۱/۱۹۱)؛ منظور از منذر پیامبر است و در هر زمانی از ما هدایت‌گری وجود دارد که مردم را به سوی آنچه پیامبر آورده است هدایت می‌کند، و این هادیان پس از پیامبر، علی و اوصیای پس از وی، یکی پس از دیگری هستند). (فاکرمیبدی، ۱۳۸۹، ۱۱۵)

۲-۱۱ جایگاه منکران ولایت امام علی (ع)

مسئله دیگر مطرح در احادیث قدسی مقام و جایگاه منکران ولایت امام علی (ع) است که به صورت‌های مختلف آمده است.

از جمله اینکه در حدیث ۴۱۰ کتاب الجواهر السنیه از امام باقر (ع) به نقل از رسول خدا (ص) آمده است:

قَالَ: نَزَلَ جِبْرِئِيلُ عَ عَلِيٍّ النَّبِيِّ ص فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ السَّلَامُ يُقْرُوكَ السَّلَامَ وَ يَقُولُ مَا خَلَقْتُ السَّمَاوَاتِ السَّبْعَ وَ مَا فِيهِنَّ وَ الْأَرْضَ [الْأَرْضِينَ] السَّبْعَ وَ مَا عَلَيْهِنَّ وَ مَا خَلَقْتُ مَوْضِعاً أَكْبَرَ مِنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ وَ لَوْ أَنَّ عَبْدًا دَعَانِي مُنْذِرُ خَلَقْتُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ ثُمَّ لَقِيَنِي جَاحِداً لَوْلَايَةِ عَلِيٍّ لَأَكْبَيْتُهُ فِي سَفَرٍ (حر عاملی، ۱۳۹۵: ۴۹۸)؛ فرمود: جبرئیل بر نبی اکرم نازل شد و گفت ای محمد، خدای سلامتی به شما سلام رساند و فرموده است که آسمان‌های هفتگانه و مخلوقات آن و زمین‌های هفتگانه و مخلوقات آن را نیافریدم و مکان با عظمت تر از رکن و مقام نیافریدم و اگر بنده از زمان آفریدن آسمان‌ها و زمین به من را پذیرفته باشد و سپس در حالی با من ملاقات کند که منکر ولایت علی باشد او را در جهنم آویزان می‌کنم.

در حدیث ۴۱۵ الجواهر السنیه از ابن عباس نقل شده است:

كُنْتُ جَالِساً بَيْنَ يَدَيْ النَّبِيِّ ص ذَاتَ يَوْمٍ وَ بَيْنَ يَدَيْهِ عَلِيٌّ وَ فَاطِمَةُ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ إِذْ هَبَطَ جِبْرِئِيلُ وَ مَعَهُ تَفَاحَةٌ فَحَيَّا بِهَا النَّبِيَّ ص فَتَحَيَّا بِهَا النَّبِيَّ ص وَ حَيَّا بِهَا عَلِيٌّ بِنِ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ فَتَحَيَّا بِهَا عَلِيٌّ وَ قَبَّلَهَا وَ رَدَّهَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ص فَتَحَيَّا بِهَا رَسُولُ اللَّهِ ص وَ حَيَّا بِهَا كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ - وَ ذَكَرَ الْحَدِيثَ إِلَى أَنْ قَالَ - وَ عَلَيْهَا سَطْرَانِ مَكْتُوبَانِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَذِهِ تَحِيَّةٌ مِنَ اللَّهِ تَعَالَى إِلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ وَ أَمَانَ

لِمْحِبِّهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ النَّارِ (همان: ۵۰۲)؛ روزی جلوی نبی اکرم نشسته بودم و جلوی ایشان علی، فاطمه، حسن و حسین نیز نشسته بوده‌اند در آن هنگام جبرئیل فرود آمد و همراهش سیب بود، جبرئیل سیب را به نبی (ص) هدیه کرد پس نبی آن هدیه را پذیرفت و سیب را به علی بن ابی‌طالب هدیه داد پس علی هدیه را پذیرفت، بوسید و به رسول خدا پس داد. رسول خدا آن سیب را به عنوان هدیه پذیرفت و سیب را هرکدام از حاضرین هدیه کرد-ابن عباس حدیث را نقل کرد تا این جا که گفت- و آن سیب دو سطر نوشته ای داشت آغاز با نام خدائی که رحمان و رحیم است این سیب هدیه ای از طرف خدای متعال به محمد مصطفی و علی مرتضی و فاطمه زهرا و حسن و حسین است و روز قیامت امان است برای محبان ایشان.

در حدیث ۴۴۸ از امام رضا (ع) از پدرانش، از رسول خدا (ص) نقل شده است:

مَنْ عَادَى أَوْلِيَّائِي فَقَدْ بَارَزَنِي بِالْمُحَارَبَةِ وَمَنْ حَارَبَ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّ فَقَدْ حَلَّ عَلَيْهِ عَذَابِي وَمَنْ تَوَلَّى غَيْرَهُمْ فَقَدْ حَلَّ عَلَيْهِ غَضَبِي وَمَنْ أَعَزَّ غَيْرَهُمْ فَقَدْ آذَانِي وَمَنْ آذَانِي فَلَهُ النَّارُ (همان: ۵۴۴)؛ هر کس دشمن اولیای من است به تحقیق با من به مبارزه برخاسته است و هر کس با اهل بیت پیامبر به محاربه برخاست مستحق عذابم شده و هر کس غیر اهل بیتم را دوست داشته باشد مستحق غضبم شده است و هر کس غیر اهل بیتم را عزیز تر به شمارد مرا اذیت رسانده و هر کس به من اذیت کند آتش حق اوست.

مضمون روایات مذکور حکایت از شدت مجازات و عقاب اخروی بر مخالفت و انکار ولایت دارد که القای کننده اهمیت فوق العاده امر ولایت پذیری است. این مضمون نیز مؤیدات قرآنی در آیات مرتبط با ولایت دارد؛ از جمله:

الف. آیه اولی الامر: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ... (نساء: ۵۹)؛ ای مؤمنان اطاعت خدا و اطاعت رسول و اطاعت صاحب حکم از میان خودتان کنید». از آیه مذکور تأیید مضمون مذکور قابل استفاده است؛ زیرا از مفاد آیه اولو الامر استفاده می‌شود که اولوا الامر و اطاعت از او و همچنین ولایت او امری جدا و مستقل از اطاعت رسول نیست، همان گونه که اطاعت از رسول و ولایت او مستقل و جدا از ولایت و اطاعت خدا نیست. بنابراین شدت در مجازات بر مخالفت و انکار ولایت در واقع بر می‌گردد به این امر که انکار ولایت انکار رسالت و در نهایت انکار توحید است. دستور به اطاعت از اولو الامر به طور جداگانه ذکر نشده است و همچنین دستور به مراجعه به خدا و رسول در نزاع‌ها بدون ذکر اسم اولوا الامر آمده است و همچنین مفهوم این آیه که می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا

لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ (نساء: ۶۴)؛ و پیامبر را نه فرستادیم مگر به خاطر اینکه با اذن خداوند اطاعت شود». همه اشاره به این حقیقت است که توحید و نبوت و امامت (ولایت) در عرض یکدیگر نیستند؛ بلکه در طول یکدیگر قرار دارند و اطاعت و انکار یکی در واقع اطاعت و انکار همه آنها به حساب می‌آید.

ب. آیه ۶۵ نساء: ادامه آیات مذکور برای توضیح بیشتر ارتباط تنگاتنگ بین رسالت و امامت و وظیفه حکومت و اجرای احکام الهی در جامعه را برای پیامبر اکرم مکرراً ذکر می‌کند و همان گونه که اطاعت از رسول خویش را در امر تشریح و هدایت نشانه ایمان و مخالفت از این شاخه رسالت را نشانه فقدان مطلق ایمان دانسته است، شاخه دیگر رسالت یعنی حکومت را نیز با ایمان و کفر پیروانان و اهل ایمان مرتبط می‌سازد و می‌فرماید هیچ مؤمن تا زمانی نمی‌تواند مدعی ایمان حقیقی باشد که در برابر قضاوت پیامبر اکرم حتی نارضایتی در قلب خود نیز نداشته باشد و کاملاً تسلیم اوامر و قضاوت‌های پیامبر اکرم باشد:

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا (نساء: ۶۵)؛ سوگند به پروردگار تو، آنها مؤمن نمی‌شوند تا زمانی که در نزاع‌های خودشان شما را حکم و داور نه گیرند سپس در اذهان خود نیز نسبت به داوری شما اعتراض نکنند و کاملاً تسلیم شوند.

لذا از ذکر این شاخه رسالت هماهنگی و ارتباط تنگاتنگی بین رسول و اولوا الامر را گوشزد می‌کند و اولوا الامر را در واقع ادامه‌دهنده وظیفه حکومت و اجرای احکام الهی معرفی می‌کند (فضل الله، ۱۴۱۹ق: ۳۴۲/۷).

۲-۱۲ امام علی (ع) هم کفو حضرت زهرا (س)

از دیگر فضائل امام علی (ع) ازدواج با حضرت زهرا (س) است که در روایات قدسی نیز مورد تکریم قرار گرفته است.

در حدیث ۴۱۷ الجواهر السنیه آمده است:

ان رسول الله قال نادى مُنادٍ من تحت العرش ألا إن اليوم يوم وليمة علي بن أبي طالب ألا إني أشهدكم أنني قد زوجت فاطمة بنت محمد من علي بن أبي طالب رضي مني بعضهما لبعض... إلى ان قال ثم نادى مُنادٍ ألا يا ملائكتي و سكران جنتي باركوا علي بن أبي طالب حبيب محمد و فاطمة بنت محمد فقد باركت عليهما ألا إني زوجت أحب النساء إلي من أحب الرجال إلي بعد

النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ فَقَالَ رَاحِلُ الْمَلِكُ يَا رَبِّ وَمَا بَرَكَتُكَ فِيهِمَا بِأَكْثَرِ مِمَّا رَأَيْنَا لَهُمَا فِي جَنَاتِكَ وَدَارِكَ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ مِنْ بَرَكَتِي عَلَيْهِمَا أَنِّي أَجْمَعُهُمَا عَلَيَّ مَحَبَّتِي وَأَجْعَلُهُمَا حُجَّةً عَلَيَّ خَلْقِي وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لِأَخْلُقَنَّ مِنْهُمَا خَلْقًا وَلَأَنْشِئَنَّ فِيهِمَا ذُرِّيَّةً أَجْعَلُهُمْ خُزَّانِي فِي أَرْضِي وَمَعَادِنَ لِعِلْمِي وَدُعَاةً إِلَيَّ دِينِي بِهِمْ أَحْتَجُّ عَلَيَّ خَلْقِي بَعْدَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ (حر عاملی، ۱۳۹۵: ۵۰۴)؛ منادی از زیر عرش ندا در داده: آگاه باشید که امروز روز ولیمه و عروسی علی بن ابی طالب است، بدانید که من شما را شاهد می‌گیریم بر اینکه فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم را برای علی بن ابی طالب، به رضایت خود تزویج نمودم. سپس منادی ندا داد: ای ملائکه و ساکنین بهشت، ازدواج علی را که حبیب محمد است با دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم تبریک بگویند، زیرا من هم به ایشان تبریک گفته‌ام. آگاه و شاهد باشید که من بعد از پیامبران، محبوبترین زنان را برای محبوبترین مردان تزویج نمودم. راحیل گفت: خداوندا! بیش از اینکه ما می‌بینیم و در بهشت به ایشان داده‌ای، چه چیز دیگری به آنها عطا خواهی کرد؟ خدای متعال فرمود: ای راحیل! برکت بیشتری که به آنها می‌دهم، این است که آنان با محبت من زندگی خواهند کرد و آنان را برای خلق خود حجت و دلیل قرار می‌دهم، به عزت و جلالم سوگند، مخلوقی از آنان به وجود می‌آورد و از آن دو، نسلی ایجاد می‌کنم که خزانه داران من در زمین، و معدن علم من، و طرفداران و هدایت‌کنندگان مردم به سوی دین من خواهند بود و بعد از پیامبران و رسولان، به‌وسیله آنان بر خلق اتمام حجت خواهم نمود.

در حدیث ۴۴۶ امام رضا (ع) از پدرانش و آنان از رسول خدا (ص) نقل کرده‌اند:

هَبَطَ عَلِيٌّ جَبْرَيْلُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَقُولُ لَوْ لَمْ أَخْلُقْ عَلِيًّا لَمَا كَانَ لِفَاطِمَةَ كُفُوٌ مِنْ وُلْدِ آدَمَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ (همان: ۵۴۲)؛ جبرئیل بر من فرود آمد و گفت ای محمد خدای متعال فرموده است اگر علی را نمی‌آفریدم همسر فاطمه در اولاد و نسل آدم وجود نداشت.

در حدیث ۵۱۱ از رسول خدا (ص) نقل شده است:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَنَا نَبِيٌّ مَلَكٌ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ - إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقْرَأُ عَلَيْكَ السَّلَامَ - وَيَقُولُ قَدْ زَوَّجْتُ فَاطِمَةَ مِنْ عَلِيٍّ فَرَوَّجَهَا مِنْهُ - وَقَدْ أَمَرْتُ شَجْرَةَ طُوبَى - أَنْ تَحْمِلَ الدَّرَّ وَالْمَرْجَانَ وَالْيَاقُوتَ - وَإِنَّ أَهْلَ السَّمَاءِ قَدْ فَرَحُوا بِذَلِكَ - وَسَيُولَدُ لَهُمَا وَلَدَانِ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ - وَبِهِمْ يَتَزَيَّنُ أَهْلُ الْجَنَّةِ - فَأَبَشِّرْ يَا مُحَمَّدُ فَإِنَّكَ خَيْرُ الْأَوْلِيَاءِ وَالْآخِرِينَ (همان: ۶۳۴)؛ فرشته‌ای به نزد من آمد و گفت: ای محمد! همانا خداوند به تو سلام می‌رساند و می‌فرماید: من فاطمه را برای علی تزویج نمودم، پس تو نیز او را به ازدواج

علی درآور، فرمان دادم تا شجره طوبی جواهرات خود را به پای آنها فرو ریزد، و اهل آسمان از این نثار خشنود شدند، و به زودی از او فرزندی متولد می‌شود که سروران جوانان اهل بهشت هستند و اهل بهشت به آنها مباحثات می‌کنند. پس ای محمد! بشارت باد بر تو که همانا تو بهترین آدمیان از اولین و آخرین آنها هستی.

هم کفو حضرت زهرا بودن امام علی (ع) را می‌توان از برخی آیات استنباط کرد؛ از جمله: الف. آیه تطهیر: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب: ۳۳)؛ بدون تردید الله قصد دارد پلیدی را از شما اهل بیت دور سازد و شما را کاملاً پاکیزه کند «همه اهل بیت اطهار که طبق روایات متواتر فریقین امام علی، حضرت زهرا و حسنین (علیهم السلام) است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۲۹۳/۱۷) به طور مساوی مصداق تطهیر تکوینی الهی دانسته شده‌اند و تفاوتی از احاطه عصمت و طهارت با یکدیگر ندارند بنابراین می‌توان همه اهل بیت (علیهم السلام) را هم کفو یکدیگر دانست.

ب. آیه مباحله: در آیه مباحله

فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ (آل عمران: ۶۱)؛ پس بگو بیاید ما پسرانمان و پسرانتان، زنانمان و زنانتان و جانمان و جانتان را بیاوریم سپس مباحله کنید و لعنت خدا را بر منکران قرار دهیم

نیز پنج شخصات که در مقابل مسیحیان نجران برای مباحله رفتند به اتفاق احادیث و مفسران فریقین پنج تن پاک (پیامبر اکرم، امام علی، حضرت زهرا، امام حسن و امام حسین (ع)) بوده‌اند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۲۴۷/۸). این حادثه به خوبی فضیلت و برتری همه کسانی از اهل بیت را می‌رساند که از اهل بیت پیامبر برای مباحله رفته بودند (بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۲۱/۲). علمای امامیه نیز از آیه مباحله برتری اهل بیت (ع) بر سائر افراد را استدلال کرده‌اند (شیبانی، ۱۴۱۳ق: ۴۱/۲). لذا همه اهل بیت (ع) در برتری بر سائر مردم مساوی هستند. لذا هم کفو بودن آنها در این فضیلت نیز قابل استنباط است.

البته برخی از علمای شیعه از آیه مذکور برتری امام علی (ع) بر انبیاء و دیگر ائمه استنباط کرده‌اند. به این صورت که در آیه مباحله امام علی (ع) برخلاف دیگر اعضای اهل بیت، نفس رسول خدا معرفی شده‌اند و همان گونه که بالاجماع پیامبر اکرم بر همه انبیاء فضیلت دارند امام علی (ع) نیز افضل از سایر انبیاء جز پیامبر گرامی اسلام هستند (همان). به نظر می‌رسد آیه در مقام بیان فضیلت و برتری میان افراد اهل بیت (ع) نیست؛ بلکه هدف اصلی آیه اثبات حق

بودن اسلام است که پیامبر اکرم حاضر بوده‌اند عزیزترین کسانی از خانواده را که عبارتند از زن و فرزند هر فرد، در معرض نابودی قرار دهد و از این طریق حقانیت اسلام و رسالت خود را به اثبات برساند؛ زیرا آخرین نفراتی که انسان به هیچ قیمت حاضر به خطر انداختن جان آنها نیست فرزند و زن انسان است. لذا جایی که انسان آماده به خطر انداختن جان عزیزترین افراد خانواده خود می‌شود معلوم می‌شود او در دعوی خود کاملاً صادق است و بر حق بودن آن یقین کامل دارد. تقدم فرزندان بر زنان و مؤخر کردن نفس و خود انسان در آیه نیز گواه بر ارتباط این واقعه با انگیزش احساس و عاطفه طرف مقابل است؛ زیرا عزیزترین افراد خانواده پسران و سپس زن و سپس خود انسان است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق: ۲۲۲/۳). البته انتخاب فقط چهار نفر از میان افراد خانوادگی پیامبر اکرم نشان‌دهنده فضیلت اهل بیت است.

۲-۱۳ اقرار به ولایت امام علی (ع)

مسئله دیگر در احادیث قدسی جایگاه و مقام والای اقرارکنندگان به ولایت امام علی (ع) است. مانند اینکه در حدیث (۴۴۰) کتاب الجواهر السنیه از رسول خدا (ص) نقل شده است:

ثُمَّ نَادَى رَبَّنَا عَزَّ وَجَلَّ: يَا أُمَّةَ مُحَمَّدٍ إِنَّ قَضَائِي عَلَيْكُمْ أَنْ رَحِمْتِي سَبَقَتْ غَضَبِي، وَعَفْوِي قَبْلَ عِقَابِي، فَقَدْ اسْتَجَبْتُ لَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَدْعُونِي، وَأَعْطَيْتُكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَسْأَلُونِي، مَنْ لَقِينِي مِنْكُمْ بِشَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، صَادِقٌ فِي أَقْوَالِهِ، مُحَقِّقٌ فِي أَعْمَالِهِ وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخُوهُ - وَوَصِيَّهُ مِنْ بَعْدِهِ وَوَلِيِّهُ، يُلْتَزِمُ طَاعَتَهُ مُحَمَّدٍ وَأَنَّ أَوْلِيَاءَهُ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارَ الْمُطَهَّرِينَ - الْمُبَايِنِينَ بَعْجَائِبِ آيَاتِ اللَّهِ وَدَلَائِلِ حُجَجِ اللَّهِ مِنْ بَعْدِهِمَا أَوْلِيَاؤُهُ، أَدْخَلْتُهُ جَنَّتِي، وَإِنْ كَانَتْ ذُنُوبُهُ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ. قَالَ: فَلَمَّا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ نَبِيَّنَا مُحَمَّدًا قَالَ: يَا مُحَمَّدُ «وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْتُنَا» أُمَّتُكَ بِهَذِهِ الْكِرَامَةِ (حر عاملی، ۱۳۹۵:

۵۳۴)؛ سپس پروردگار ما عز و جل ندا داد: ای امت محمد! حکم من بر شما این است که رحمتم، از خشمم پیشی گرفته است و عفو، قبل از کیفرم است. من پیش از آن که مرا بخوانید، شما را اجابت می‌گویم و پیش از آن که از من بخواهید، به شما عطا می‌کنم. هر کس از شما که مرا با شهادتین (گواهی به توحید و رسالت محمد (ص) و راستی گفتار و درستی رفتار دیدار کند و گواهی دهد که علی بن ابی‌طالب، برادر و وصی پس از پیامبر (ص) و ولی اوست و به فرمانش ملتزم باشد، همان گونه که به فرمان محمد، ملتزم است و اولیای برگزیده پاک و پاکیزه اش را اولیای خود گیرد؛ کسانی که از شگفتی های آیات الهی خبر می‌دهند و نشانه‌های حجّت خدا پس از آن دو (محمد و علی) هستند، به بهشتش در

می‌آورم ... می‌فرماید: «چون خدای عز و جل، پیامبرمان محمد (ص) را بر انگیخت، فرمود: ای محمد! «تو در کنار [کوه] طور نبودی که ما» امتت را به این گونه بابرکت ندا دادیم».

مضمون حدیث مذکور مبنی بر لزوم و وجوب اقرار به ولایت و وصایت امیرالمؤمنین و ائمه طاهرین (ع) برای نجات اخروی و ورود به بهشت الهی است. از آیات قرآنی نیز وجوب اقرار به ولایت مذکور قابل استنباط است؛ از جمله:
الف. آیه ولایت: خداوند متعال می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا (نساء: ۵۹)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید؛ و فرستاده [خدا] و صاحبان امر (خود) تان را اطاعت نمایید. و اگر در چیزی با همدیگر اختلاف کردید، پس آن را به خدا و فرستاده (اش) ارجاع دهید (و از آنها داوری بطلبید) اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، این (کار) بهتر و فرجام نیکوتر است.

آیه کریمه اطاعت اولو الامر را در کنار اطاعت از خدا و رسولش لازم و واجب می‌داند و تفسیر معتبر و اشکال ناپذیر از اولوالامر است که مراد از آن امامان معصوم باشند که رهبری مادی و معنوی جامعه در دست آنها است و از طرف خداوند متعال به عنوان جانشین پیامبر اسلام (ص) معرفی شده‌اند. اطلاق و بدون قید بودن اطاعت اولوالامر که بر اثر قرار گرفتن در کنار اطاعت خدا و رسول قابل استنباط است، مهم‌ترین قرینه و دلیل بر معصوم بودن اولو الامر است. تفسیر مذکور نظر اتفاقی تمام مفسران شیعی است و تفسیر پذیرفته شده در اولین مرحله توسط مفسر نامدار اهل سنت فخر رازی نیز است. تفسیر مذکور علاوه بر دلایل تفسیری و قرآنی از روایات معتبر اهل سنت و شیعه نیز پشتیبانی می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش: ۴۳۵/۳-۴۴۲).

ب. آیه اکمال: آیه اکمال که در آیات ابتدائی سوره مبارکه مائده قرار دارد و آیه غدیر نیز معروف است، سند دیگری بر ولایت امام علی (ع) است. آیه اکمال می‌فرماید: «اليوم اكملت لكم دينكم و اتممت عليكم نعمتي و رضيت لكم الاسلام دينا» (مائده/۳) امروز دینتان را کامل کردم و نعمتم را بر شما تمام کردم و اسلام به‌عنوان دین برای شما پسندید. سوره مائده و آیه مذکور بنا بر شواهد و دلایل متقن تاریخی، آخرین سوره و آیه اکمال آخرین آیه ای است که حضرت محمد مصطفی (ص) و ارتباط تنگاتنگ با اعلان ولایت امیرالمؤمنین (ع) در غدیر خم دارد. هر پژوهشگر منصف نیز بی تردید با تحقیق در منابع حدیثی، فقهی، تفسیری و تاریخ یقیناً

طبقه‌بندی موضوعی و تحلیل محتوایی ... (سکینه عموزادی و دیگران) ۶۳

به همین نتیجه رسیده است. تناقض گویی آشکار در کلام کسانی وجود دارد که از بزرگان اهل سنت همچون مسلم بن حجاج قشیری، ابن حجر عسقلانی، سیوطی، متقی هندی به مخالفت این نظر پرداخته‌اند، توجیهی جز ملاحظات سیاسی و مذهبی ندارد که این ملاحظات پژوهشگران اسلامی را برانگیخته است تا تمایل به اتخاذ موضع خلاف قرآن و سنت پیدا کنند. (مولایی‌نیا، ۱۳۹۳، ۹۰ و ۹۳)

۲-۱۴ تمثال امام علی (ع) در عرش الهی

یکی از مسائل مطرح در احادیث قدسی فضیلت امام علی (ع) مبنی بر این است که تمثال امام علی (ع) در عرض الهی وجود دارد. خداوند متعال پیامبر اکرم را در شب معراج از این منقبت و فضیلت امام علی (ع) آگاه ساخت.

در حدیث ۴۴۹ از رسول خدا (ص) نقل شده است:

لَيْلَةَ أُسْرَى بِي رَبِّي عَزَّ وَجَلَّ رَأَيْتُ فِي بُطْنَانَ الْعَرْشِ مَلَكًا بِيَدِهِ سَيْفٌ مِنْ نُورٍ يَلْعَبُ بِهِ كَمَا يَلْعَبُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ بِذِي الْفَقَارِ وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ إِذَا اشْتَأَقُوا إِلَيَّ وَجْهَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ نَظَرُوا إِلَيَّ وَجْهَ ذَلِكَ الْمَلِكِ فَقُلْتُ يَا رَبُّ هَذَا أَخِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ وَابْنُ عَمِّي فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ هَذَا مَلِكٌ خَلَقْتَهُ عَلَيَّ صُورَةَ عَلِيٍّ يَعْبُدُنِي فِي بُطْنَانَ عَرْشِي تُكْتَبُ حَسَنَاتُهُ وَتَسْبِيحُهُ وَتَقْدِيسُهُ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ (حر عاملی، ۱۳۹۵: ۵۴۶)؛ شبی که پروردگارم به معراج برد داخل عرش فرشته‌ای دیدم که دستش شمشیر نورانی است که با آن بازی می‌کند همان گونه که علی بن ابی‌طالب با ذوالفقار بازی می‌کند و هنگامی که فرشتگان مشتاق زیارت چهره علی بن ابی‌طالب هستند به چهره آن فرشته نگاه می‌کنند. گفتم ای پروردگار این برادرم علی بن ابی‌طالب و پسر عمویم است فرمود ای محمد این فرشته است که من او را به قیافه علی آفریدم که در داخل عرشم عبادتم می‌کند که نیکی‌ها، تسبیح و تقدیس او تا روز قیامت برای علی بن ابی‌طالب نوشته می‌شوند.

در حدیث ۴۵۶ از رسول خدا (ص) نقل شده است:

لَمَّا عُرِجَ بِي إِلَى السَّمَاءِ دَنَوْتُ مِنْ رَبِّي قَالَ: يَا مُحَمَّدُ، مَنْ تُحِبُّ مِنَ الْخَلْقِ قُلْتُ: يَا رَبُّ عَلِيًّا. قَالَ: التَّفْتُ يَا مُحَمَّدُ، فَالْتَفْتُ عَنْ يَسَارِي، فَإِذَا عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ. (همان: ۵۵۸)؛ هنگامی که برای معراج به آسمان‌ها برده شدم نزدیک پروردگارم شدم فرمود: ای محمد، از

مخلوقات کدام را دوست دارید. گفتیم: ای پروردگار، علی را. فرمود: ای محمد نگاه کن، من به سمت راستم نگاه کردم ناگهان علی بن ابی طالب موجود بود.

تأیید مضمون روایت مذکور از قرآن کریم امکان‌پذیر است؛ زیرا:

الف. آیات معراج: در آیات معراج؛ همچون

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا (اسراء: ۱)؛ پاک است آن ذات که بنده خود را شبانه از مسجد حرام به سوی مسجد اقصی مبارک سیر داد تا نشانه هایمان را نشانش بدهیم؛

«وَلَقَدْ رَءَاهُ نَزْلَةً أُخْرَى. عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى... لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى (نجم: ۱۳-۱۸)؛

خدا او را در سدره المنتهی توقف دیگر داد... او نشانه‌های بزرگ پروردگارش را دید» معجزه بودن معراج الهی و پاسخ همه اشکالات بر معراج را درون خود دارند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۸/۱۲). طبق آیات مذکور هدف از معراج پرده برداشتن از برخی نشانه‌های بزرگ الهی بوده است. آیه اول سوره اسراء «لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا؛ تا اینکه ما نشانه‌های خودمان را به او بنماییم» با استفاده از من تبعیضیه هدف سیر آسمانی را نشان دادن برخی آیات و نشانه‌های الهی بیان کرده است و آیه هجده سوره نجم با تعبیر «لَقَدْ رَأَى مِنْ آيَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَى؛ او نشانه‌های بزرگ پروردگارش را مشاهده کرد» بزرگ بودن آیات نشان داده شده در سیر آسمانی را بازگو می‌کند. باتوجه به اینکه بر اساس آیات عام و خاص قرآنی وجود مبارک حضرت علی (ع) از جمله مطلق آیات الهی یا نشانه‌های بزرگ الهی به حساب می‌آید، تأیید واضح محتوای احادیث قدسی مذکور مبنی بر وجود تمثال حضرت علی (ع) در عرش الهی محسوب می‌شود. تعبیر آیه مبنی بر نشان دادن برخی از آیات بزرگ در شب معراج نیز مانع از تأیید قرآنی مضمون مذکور احادیث قدسی نیست؛ زیرا به گفته برخی مفسران همچون صاحب تفسیر نمونه تعبیر برخی نشانه‌ها نسبت به گستردگی نشانه‌های الهی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش: ۸/۱۲) که معرفی نشده‌های آیات الهی بسیار بیشتر از معرفی شده‌ها هستند. اما این تعبیر به این معنا نیست که از میان آیات معرفی شده‌ها در قرآن و روایات نیز برخی آیات (نشانه‌ها) نشان داده شده‌اند؛ زیرا قرآن کریم تمام نظام هستی را کلمه خدا که تعبیر دیگر از نشانه خدا است، دانسته است

طبقه‌بندی موضوعی و تحلیل محتوایی ... (سکینه عموزادی و دیگران) ۶۵

قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ اللَّهِ لَفَنَدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَفْعَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي (كهف: ۱۰۹)؛
خداوند به رسولش می‌فرماید: بگو که اگر دریا مرکب شود برای نوشتن (کلمات) پروردگار
من، پیش از آن که کلمات الهی به پایان رسد، دریا خشک و تمام خواهد شد.

علت اینکه سراسر هستی را کلمه خدا می‌داند، آن است که هر موجودی از موجودات
جهان هستی آیت و نشانه حق است و غیب را نشان می‌دهد. همه موجودات با زبان تکوینی
خود سخن از خداوند و اسما و صفات عالی او می‌گویند. بنابراین آیت و نشانه الهی بودن انبیاء
و ائمه طاهرين نیاز به دلیل ندارد که در وجود و قول و فعل خود نشانه‌های حق هستند.

ب. دلالت آیات معراج به مفهوم اولویت: بر فرض پذیرش دلالت آیه بر نشان دادن برخی
از نشانه‌های بزرگ الهی، شمول این تعبیر به نشان دادن بزرگ‌ترین آیه و نشانه الهی که به
شکل پیامبر اکرم (ص) و ائمه طاهرين (ع) است یقینی و قطعی خواهد بود. قرآن کریم انسان
کامل را بزرگترین کلمه الهی معرفی کرده است؛ همان‌گونه آیات قرآن حضرت مسیح (ع) را
کلمه الهی بیان کرده‌اند: «إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ
(نساء: ۱۷۱)؛ مسیح عیسی بن مریم فقط فرستاده خدا و کلمه او است که او را به مریم القا نموده
است»، علت نشانه بزرگ بودن انسان کامل نیز واضح است چون هیچ موجودی نمی‌تواند مانند
انسان کامل، خداوند را نشان دهد. امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب (ع) خود را بزرگ‌ترین نشانه
الهی معرفی کرده است: «مَا لِلَّهِ آيَةٌ أَكْبَرُ مِنِّي (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۰۶/۲۳)؛ برای خدا آیت و
نشانه‌ای بزرگتر از من نیست». ائمه طاهرين خودشان را کلمه‌های تام الهی معرفی کرده‌اند؛
مانند اینکه در جوامع روایی آمده است: «نَحْنُ الْكَلِمَاتُ التَّامَاتُ (همان: ۹/۵)؛ ما کلمات تامه و
کامله الهی هستیم».

ج. آیات ابتدائی سوره نجم: طبق آیاتی از سوره نجم متعلق وحی و رویت در معراج امیر
مومنان علی (ع) است. به این بیان که در موقعیتی که قرآن (ادنی) می‌خواند دو انجام می‌شود.
یکی (وحی) است که از طرف خدا انجام می‌شود (نجم/۱۰) و دوم رویت است که فعل رسول
الله است. مفاهیم و مقولاتی به ایشان وحی می‌شود و خداوند آن را ذکر کرده است. اگر
خداوند فرموده (فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ) محتویات این وحی باید در آیات بعدی ذکر شود.
از طرفی خداوند در همین چند آیه کوتاه و متواتر، چندین مرتبه از مفهوم (رویت) سخن گفته
و آن را موکداً آورده است (نجم/۱۱ و ۱۲ و ۱۳). بنابراین مطالب وجود دارند که قابل رویت است
و قوای دراکه رسول خدا آن چیزی را که دیدند رد نکرده است بلکه تایید کرده است. پیامبر
اکرم ممکن است در شب معراج مقولات و مفاهیم زیادی را دیده باشند؛ اما آنچه به موضوع

محوری این سوره ارتباط دارد و باتوجه به نگاه ساختاری آنچه که به عوامل موثر در نظام خداوند مرتبط است و به لحاظ ضمیر مفرد در (راه) فقط یک چیز است. آیه ای از این سوره همین یک چیز را به عنوان نشانه بزرگ الهی نیز معرفی می کند (لقد راه من آیات ربّه الکبریٰ (نجم/۱۸). در روایات نیز یکی از مصادیق آیه کبری امام علی (ع) بیان شده‌اند. مانند اینکه شیخ صدوق در امالی دو روایت در این زمینه نقل کرده است. در روایت اول رسول الله وصی خود را آیه کبری معرفی کرده است و در روایت امیرالمؤمنین خود را آیه کبری معرفی کرده است (صدوق، ۱۳۷۶، ۳۱/۳۸). (فیاضی بارجین، ۱۴۰۱، ۲۳۵)

۳. نتیجه گیری

از ارزیابی مضمون احادیث قدسی مربوط به فضائل امیرالمؤمنین (ع) که در کتاب جواهر السنیة شیخ حر عاملی ذکر شده‌اند، از منظر قرآن کریم نتایج زیر به دست آمده‌اند.

الف. عناوین احادیث قدسی که مورد مقایسه با مفاهیم قرآنی قرار گرفته اند عبارتند از تعهد گرفتن ولایت امام علی (ع) از همه انسان‌ها در عالم ذر، وصایت و جانشینی امام علی از پیامبر اکرم، جانفشانی در راه خدا، پاداش بهشت به پیروان امام علی و ائمه طاهرین، مایه اکمال دین بودن امام علی (ع)، بسته شدن تمام درب خانه‌های همجوار مسجد النبی جز درب خانه امام علی (ع) یاری دهنده پیامبر اکرم، جایگاه دوستداران امام علی (ع)، پرچم هدایت بودن امام علی (ع)، جایگاه منکران ولایت در جهنم، فضائل چندگانه امام علی (ع) و هم کفو حضرت زهرا (س). نتیجه کلی از مقایسه مذکور به این صورت است که هماهنگی کامل بین مضامین احادیث مذکور و بیانات قرآنی وجود دارد.

ب. هماهنگی همه عناوین حدیث قدسی با آیات قرآنی به صورت ظاهری و بر اساس ظهور آیات نیست؛ بلکه در برخی موارد هماهنگی مذکور بر اساس باطن آیات است. مانند اینکه از برخی آیات فضائل و شخصیت امیرالمؤمنین (ع) را به عنوان یکی از مصادیق یا بارزترین مصداق آیه قابل استنباط است. از جمله اینکه امیرالمؤمنین به عنوان یکی از مصادیق مضمون آیات مبنی بر کلمه التقوی قرار گرفته است.

ج. در برخی آیات به وسیله تفسیر عقلی و با استفاده از براهین عقلی ارزیابی مضمون احادیث صورت گرفته است؛ مانند اینکه دلالت آیات اسراء بر قابل پذیرش بودن وجود تمثال امام علی (ع) بر عرش، به وسیله تفسیر عقلی اثبات شده است؛ زیرا عقل می گوید که از طرفی آیات گواهی می دهند که شب معراج نشانه‌های بزرگ الهی به پیامبر نشان داده شدند. از طرف

طبقه‌بندی موضوعی و تحلیل محتوایی ... (سکینه عموزادی و دیگران) ۶۷

دیگر وجود مبارک امام علی (ع) یکی از نشانه‌های بزرگ الهی است. لذا عقل این امکان را رد نمی‌کند که در شب معراج تمثال علی (ع) یا خود وجود علی (ع) به پیامبر نشان داده شده باشد.

د. از تفسیر روایی برخی آیات نیز برای اثبات هماهنگی بین مضمون حدیث قدسی و آیات استفاده شده است. مانند اینکه در دلالت آیاتی همچون آیه اکمال، آیه اولوا الامر، آیه تطهیر، از تفسیر روایی و روایات معتبر فریقین استفاده شده است. باتوجه به اینکه تفسیر روایی جز روشهای معتبر تفسیری هستند استفاده از چنین روش بی‌اشکال خواهد بود.

کتابنامه

قرآن کریم.

آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: عبدالباری عطیه، علی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.

ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند، تحقیق: احمد محمد شاکر، قاهره، دار الحدیث، ۱۴۱۶ق/۱۹۹۵م.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب (ع)، قم، علامه، ۱۳۷۹ق.

ابن عاشور، محمد طاهر، تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، ۱۴۲۰ق.

ابن عساکر، علی بن حسن، تاریخ مدینه دمشق، تصحیح و تنظیم: شیری، علی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۵ق.

ابن مغازلی، علی بن محمد، مناقب الإمام علی بن ابی طالب (ع)، بیروت، دار الأضواء، ۱۴۲۴ق/۲۰۰۳م.
ابو حیان اندلسی، محمد بن یوسف، البحر المحیط فی التفسیر، تحقیق: جمیل، صدقی محمد، بیروت، دار الفکر، ۱۴۲۰ق.

امینی، عبدالحسین، الغدیر، تحقیق: محمودی، محمد باقر و دیگران، تهران، کتابخانه بزرگ اسلامی، ۱۳۵۲-۱۳۷۰ش.

بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، تصحیح و تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه لمؤسسه البعثة، قم، مؤسسه البعثة، ۱۳۷۴ش و ۱۴۱۵ق.

بیضاوی، عبدالله بن عمر، انوار التنزیل و اسرار التاویل (تفسیر البضاوی)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۸ق.

- ثعلبی، احمد بن محمد، الكشف و البیان المعروف تفسیر الثعلبی، تحقیق: ابن عاشور، ابی محمد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ١٤٢٢ق.
- حاکم حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل لقواعد التفصیل، تصحیح و تحقیق: محمودی، محمد باقر، تهران، مجمع إحيای الثقافة الاسلامیه، ١٤١١ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات، بیروت، الاعلمی، ١٤٢٥ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه. مترجم: صادق حسن زاده، قم، انتشارات آل علی، ١٣٩٥ش.
- زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، تصحیح: حسین احمد، مصطفی، سوم، بیروت، دار الكتاب العربی، ١٤٠٧ق.
- زوس زوستاک، ریک، طبقه‌بندی علم؛ پدیده‌ها، نظریه‌ها، روش‌ها، رویه‌ها. ترجمه: رضا مختاریپور و علی اکبر خاصه، تهران، کتابدار، ١٣٩٥ش.
- سیوطی، عبد الرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، ١٤٠٤ق.
- شیبانی، محمد بن حسن، نهج البیان عن کشف معانی القرآن، تحقیق: درگاه‌ی، حسین، قم، الهادی، ١٤١٣ق.
- صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، الامالی، ششم، تهران، کتابچی، ١٣٧٦ق.
- صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، الخصال، تحقیق و تصحیح: غفاری، علی اکبر، قم، جامعه مدرسین، ١٣٦٢ش.
- صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، کمال الدین و تمام النعمه، تصحیح و تحقیق: غفاری، علی اکبر، چاپ دوم، تهران، اسلامیه، ١٣٩٥ق.
- صدوق، محمد بن علی ابن بابویه، معانی الأخبار، تصحیح و تحقیق: غفاری، علی اکبر، قم، جامعه مدرسین، ١٤٠٣ق.
- طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دوم، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ١٣٩٠ق.
- طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، دلائل الامامه، تصحیح و تحقیق: قسم الدراسات الاسلامیه مؤسسه البعثه، قم، بعثت، ١٤١٣ق.
- طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تاویل آی القرآن (تفسیر الطبری)، بیروت، دار المعرفه، ١٤١٢ق.
- طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: عاملی، احمد حبیب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

طبقه‌بندی موضوعی و تحلیل محتوایی ... (سکینه عموزادی و دیگران) ۶۹

عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تصحیح و تحقیق: رسولی محلاتی، سید هاشم، چاپ چهارم، قم، اسماعیلیان، ۱۴۱۵ق.

فاکر میدی، محمد، معیت علی و قرآن؛ تفسیر: (علی مع القرآن و القرآن مع علی)، پژوهشهای علوی، دوره ۱، شماره ۱، شهریور ۱۳۸۹، صفحه ۱۱۱-۱۳۸.

فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چاپ سوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.

فضل الله، محمدحسین، من وحی القرآن، بیروت، دار الملائک، ۱۴۱۹ق

فیاضی بارجین، محمد حسین و صادقان، احمد، ارتباط معراج رسول الله (ص) با ولایت امیرمؤمنان علی (ع) براساس دلالت سیاق آیات اولیه سوره نجم، پژوهشنامه علوی، دوره ۱۳، شماره ۲۶، شماره پیاپی ۲۶، دی ۱۴۰۱، صفحه ۲۲۹-۲۴۸.

کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح و تحقیق: غفاری، علی اکبر، آخوندی، خراسانی، چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ق.

کوفی، فرات بن ابراهیم، تفسیر فرات الکوفی، تحقیق: کاظم، محمد، تهران، وزارة الثقافة و الارشاد الاسلامی، مؤسسة الطبع و النشر، ۱۴۱۰ق.

المتقی الهندی، علاء الدین علی، کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال، بی جا، مکتبه التراث الإسلامی، ۱۳۸۹ق.

مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، تصحیح و تحقیق: جمعی از محققان، دوم، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

محب‌الدین طبری، احمد بن عبدالله، ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی، قاهره، مکتبه القدسی، ۱۳۵۶ق.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دهم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ش.

موسوی سبزواری، عبدالاعلی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، دوم، بی جا، دفتر سماحة آیت الله العظمی السبزواری، ۱۴۰۹ق.

مولایی نیا، عزت‌الله، توکلی محمدی، محمودرضا، پژوهشی در شان، ترتیب، و زمان نزول آیات غدیر، پژوهش نامه علوی، سال ۵، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳، صفحه ۸۷-۱۰۵.

نوالی، محمود، فلسفه علم و متدولوژی. تبریز، دانشگاه تبریز، ۱۳۸۸ش.

هیثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.